

بایسته‌های تولیدات رسانه‌ای در راستای تبیین شخصیت حاج قاسم سلیمانی

سیدمحمدطاها حسینی مجد*

عرفان شوردزی**

چکیده

هدف: هدف از مقاله حاضر، بررسی اهمیت تولیدات رسانه‌ای و نوع آن‌ها در راستای توصیف و تبیین شخصیت شهید سلیمانی است.

روش: داده‌های این مقاله به صورت کتابخانه‌ای-اسنادی گردآوری شد و به روش تحلیل متون انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد تولیدات رسانه‌ای در تبیین شخصیت برجسته حاج قاسم باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد تا با معرفی درست ایشان موجب محقق شدن صدور فرهنگ و تمدن ایران و اسلام گردد:

۱. معرفی همه‌جانبه شخصیت ایشان، ۲. استفاده از مصاحبه‌ها، عکس‌ها، فیلم و دست‌نوشته‌ها حاج قاسم و اشخاص نزدیک به ایشان، ۳. عدم افراط و تفریط در معرفی ایشان، ۴. عدم جهت‌گیری سیاسی، جناحی و حزبی و جدا کردن ایشان از انقلاب اسلامی و

* دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه لرستان، tahahoseini.omid3@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه اصفهان، erfansh2054@gmail.com

رهبران آن، ۵. تولید محتوای مناسب برای کودکان و جوانان، ۶. توجه به نقش آمریکا و رژیم جعلی صهیونیست در شهادت حاج قاسم علیه السلام، ۷. تولیدات بین‌المللی و توجه به نقش ایشان در مبارزه با داعش در آن‌ها.

نتیجه‌گیری: صدور گفتمان و تفکر انقلاب اسلامی نیازمند مهره‌های تأثیرگذار است. بنابراین، تربیت افرادی که با عین دین عجین شده‌اند؛ مانند حاج قاسم؛ بایسته اصلی ورود به جنگ نرم رسانه‌ایست. مطمئناً با رعایت مواردی که ذکر شد، در تولیدات رسانه‌ای می‌توان شخصیت حاج قاسم را به‌صورت کامل تبیین و از ایشان در سطح داخلی و بین‌المللی الگوسازی کرد و برای آینده ایران اسلامی چنین شخصیت‌هایی را تربیت نمود و تفکر انقلاب را به جهانیان شناساند و علیه اسکتبار جهانی، به پا خاست.

کلیدواژه‌ها: رسانه، قاسم سلیمانی، تولیدات رسانه‌ای، انقلاب اسلامی، گفتمان انقلاب، نخبگان.

مقدمه

اهمیت تولیدات رسانه‌ای در ایجاد یک فضای امن برای کشور اسلامی ما و تفکر حاکم بر آن، بر هیچ کس پوشیده نیست. این مسئله با توجه به دشمنی‌های بیگانگان و تلاش روزافزون آن‌ها برای از پا درآوردن این نظام، از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. مطمئناً؛ مقابله با تولیدات رسانه‌ای کذب بیگانگان جهت مبارزه با اندیشه اصیل اسلامی، بایستی در اولویت تولیدات رسانه‌ای داخلی قرار گیرد.

رسانه، به خودی خود مانند چاقویی دو لبه است. هم می‌توان از آن برای رسیدن به مقاصد خیر استفاده کرد، و هم می‌توان بدترین مقاصد را با آن پیگیری کرد.

به این موارد، سیطره پلیدترین عناصر موجود در جهان استکباری امروز؛ یعنی صهیونیست‌ها؛ را نیز اضافه نمایید تا به عمق مشکلات سر راه مقابله با جنگ رسانه‌ای آن‌ها پی ببرید.

مطمئناً عناصر انقلابی، من جمله بنده حقیر و شما، به وظایف خود آن‌طور که باید و

شاید عمل نموده‌ایم و کاستی‌هایی بزرگ در این راه وجود دارد. کاستی‌هایی که نیازمند آسیب‌شناسی و همچنین مهم‌تر از آن، رفع آن‌هاست.

پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، زمان مناسبی برای بیدار شدن از این خواب غفلت است. هر چند دیر است، ولی برای جلوگیری از وقوع مجدد چنین حوادث ضربه‌زننده‌ای، لازم است.

در مقاله حاضر، سعی نموده‌ایم ضمن تعریف رسانه و تبیین جنگ رسانه‌ای قوی شکل‌گرفته در مقابل جبهه اسلام، تولیدات رسانه‌ای پس از انقلاب را آسیب‌شناسی کنیم و راه‌حل‌های خودمان را نیز ارائه دهیم.

باشد که مورد استفاده مجریان و عوامل زیربط قرار بگیرد. ان‌شاءالله.

تعریف رسانه

واژه رسانه در زبان فارسی واژه نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود. همان‌طور که از واژه رسانه هم مشخص است، مأموریت رسانه، رساندن است: رساندن حرف‌ها، پیام‌ها و دیدگاه‌های من و شما به فرد یا افراد دیگر.

مستقل از تاریخچه این واژه، امروزه معمولاً آنچه به‌عنوان رسانه در گفتگوها و مقالات و نوشته‌های ما مورد استفاده قرار می‌گیرد، به رسانه‌های ارتباطی اشاره دارد.

با توجه به این‌که واژه رسانه به شکل وسیعی در نوشته‌ها و گفتگوهای روزمره به‌کار می‌رود، اجازه بدهید ابتدا چند تعریف از رسانه را با هم مرور کنیم تا در ادامه مقاله، درک مشترکی از این مفهوم داشته باشیم.

«برای تعریف رسانه می‌شود به فهرستی شامل تلویزیون، فیلم، رادیو، روزنامه و اینترنت فکر کرد. اما چنین فهرستی، ویژگی مشترک عنوان‌های خود را به‌سادگی آشکار نمی‌کند. شاید راه‌حل این باشد که رسانه را به‌صورت تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبانی در نقاط مختلف منطقه، کشور و حتی جهان منتقل می‌کنند، تعریف کنیم» (لافی، ۱۳۹۶، ۱-۳).

اما این تنها تعریف رسانه نیست و نویسندگان و متفکران مختلف، تعریف‌های بسیار

متنوعی را ارائه داده‌اند. به‌عنوان مثال: «رسانه، صنعتی است که محصولات و خدمات اطلاعاتی و سرگرمی را تولید کرده و می‌فروشد. هر ابزار، روش و وسیله‌ای که برای ارتباط به کار برود، رسانه است، رسانه یعنی هر نوع ابزار ارتباط انبوه مانند تلویزیون، رادیو، مجله‌ها و روزنامه‌ها. درواقع، رسانه به معنی هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد» (کازنو،^۱ ۱۳۸۷، ۳)

«برخلاف مدرسه و دیگر ارکان حیات انسانی، رسانه‌ها امری فراگیرند. مثلاً آن‌ها می‌توانند یک کلاس بی‌دیوار با میلیاردها مستمع تشکیل دهند و این‌که رسانه‌ها وظیفه حراست از محیط را برعهده دارند. آن‌ها باید همبستگی کلی را بین اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی ایجاد کنند و مسئولیت انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر را برعهده دارند» (لطفی، ۱۳۸۱).

حداقل سه مؤلفه در تعریف رسانه وجود دارد که همه، کمابیش به آن توجه داشته‌اند:

۱. تفاوت رسانه با ابزار رسانه‌ای: معمولاً در گفتگوها و نوشته‌ها، دو اصطلاح رسانه و ابزار رسانه‌ای به‌صورت مترادف به کار می‌روند. این کار، نادرست نیست و حتی در متن‌های تخصصی هم رواج دارد. اما حتی اگر این دو کلمه را به‌جای هم به کار می‌بریم، مهم است که در ذهن خود، به تفاوت میان آن دو توجه داشته باشیم؛ روزنامه، میکروفن، شبکه‌های اجتماعی، رادیو و تلویزیون، همگی ابزارهای رسانه‌ای هستند و می‌توانند نقش بستر ارتباطی را ایفاء کنند. اما رسانه زمانی شکل می‌گیرد که پیام (محتوا) نیز وجود داشته باشد و ضمناً مخاطبانی هم در انتظار دریافت آن پیام باشند.

از آن‌جا که در دنیای امروز، ابزارهای رسانه‌ای بسیار ساده‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر از گذشته در اختیار ما قرار می‌گیرند، افراد بسیاری به اشتباه فکر می‌کنند دسترسی به رسانه نیز به همان سادگی مهبیاست. درحالی‌که ساختن رسانه بر پایه ابزارهای رسانه‌ای، کاری دشوار است و به تلاش و تجربه و تخصص نیاز دارد. داشتن یک وب‌سایت، یک پیج در شبکه‌های اجتماعی، انتشار پادکست، مجله یا کتاب، به خودی خود به معنای شکل‌گیری یک رسانه نیست.

۲. **تعریف رسانه‌های جمعی یا رسانه‌های گروهی:** مثال‌زدن برای رسانه جمعی ساده‌تر از تعریف کردن آن است. مثلاً همه می‌دانیم که کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون، نمونه‌های رسانه جمعی محسوب می‌شوند. اما این رسانه‌ها چه ویژگی‌هایی داشته‌اند که به‌عنوان رسانه جمعی یا رسانه گروهی شناخته می‌شوند؟ ساده‌ترین تعریف رسانه جمعی چیزی شبیه این است: رسانه انبوه یا رسانه گروهی یا رسانه جمعی به رسانه‌هایی گفته می‌شوند که فرستنده به‌وسیله آن‌ها می‌تواند پیام خود را به حجم وسیعی از مخاطبان برساند.

رسانه انبوه دو ویژگی کلیدی دارد: ارتباط یک فرستنده با تعداد زیادی مخاطب و فقط از سمت فرستنده به گیرنده.

استوارت هال، نظریه‌پرداز انگلیسی، جامعه را به‌صورت مدار بسته‌ای تعریف می‌کند که رسانه‌های جمعی به‌عنوان شاه‌راه، در فرآیند هویت‌بخشی در جامعه نقش پیدا می‌کنند.

۳. **تعریف رسانه‌های اجتماعی:** با توسعه فناوری اطلاعات، شکل دیگری از رسانه‌های ارتباطی به وجود آمدند که با رسانه‌های جمعی تفاوت داشتند؛ رسانه‌هایی که امروزه به‌عنوان رسانه‌های اجتماعی شناخته می‌شوند. ویژگی رسانه‌های اجتماعی این است که زمینه ارتباط دو سویه را میان فرستنده و مخاطب فراهم می‌کنند. در این رسانه‌ها، همچنان یک سمت رابطه، قدرت و تسلط بیشتری دارد (فرستنده). اما طرف دوم هم، به‌علت زیر ساخت موجود، خود را در تعامل دو سویه با او می‌بیند.

در این جا لازم است که به تفاوت رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی توجه داشته باشید؛ با وجودی که ممکن است رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی هر دو از یک ابزار رسانه‌ای (مثلاً موبایل یا کامپیوتر) استفاده کنند، اما نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم. هدف رسانه اجتماعی ارتباط دو سویه بین صاحب رسانه و مخاطب رسانه است. اما در شبکه اجتماعی، هدف اصلی ایجاد ارتباط میان مخاطبان یا مشتریان یا افرادی است که همگی در یک سطح از قدرت و اختیار قرار می‌گیرند.

کارکرد رسانه در عصر حاضر

پیدایش انواع رسانه‌های نوین، شیوه اطلاع‌رسانی را دگرگون کرده است. به طوری که رسانه در میان رویداد و مردم، مسیری مجازی ایجاد کرده و در مدل‌های رسمی، نیمه‌رسمی یا غیررسمی که بر خبرگزاری‌ها و سایت‌های رسمی، وبلاگ‌ها و سایت‌های نسبتاً معتبر دلالت دارد، سازوکار خاصی برای امر اطلاع‌رسانی و اطلاع‌یابی تعریف کرده است.

پیدایش و توسعه رسانه‌های غیررسمی یا نیمه‌رسمی جهانی با عنوان صفحات مجازی نیز که روزانه بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، تأثیر بسزایی بر امر اطلاع‌رسانی در مدل‌های جدید با محوریت کاربر دارد. این مسئله حجم محتوای تولیدشده را در جهان تا حد زیادی افزایش می‌دهد، از سویی دیگر میزان مشارکت اجتماعی کاربران را بیشتر کرده و به موازات آن آگاهی روزآمد کاربران را نیز ارتقاء می‌بخشد. در نتیجه ورود به عصر جامعه اطلاعاتی و تولد و گسترش رسانه‌های الکترونیکی و اینترنتی، مرز میان رویداد و مردم را باریک‌تر از قبل کرده است.

در دوره گذار از جامعه سنتی به جامعه جدید، آنچه بیش از همه حائز اهمیت است چگونگی رشد رسانه هاست. ویژگی اصلی رسانه‌ها، همه جا بودن آن‌هاست. رسانه‌ها امری فراگیرند.

رسانه‌ها، هم حرکت و پویایی و سرزندگی را تقویت و تولید می‌کنند و هم رخوت و تبلی و سستی را. از یک سو احساس‌های عاطفی، محبت و صداقت را برمی‌انگیزند و از سوی دیگر احساس زشتی، دشمنی، بی‌اعتمادی، دروغ و خشونت را زنده می‌کنند. این کارکرد به طور طبیعی موجب پیدایش تضاد درونی-رفتاری در مقیاس فردی و اجتماعی می‌شود.

وظایف خبری و آموزشی نیز یکی دیگر از کارکردهای رسانه‌هاست. مثلاً با دیدن فیلم‌های مربوط به زندگی جوانان امروز، عقیده شخصی فرد نسبت به اخلاق و شرایط زندگی جوانان دگرگون می‌شود و حتی ممکن است در خود، گرایش به زندگی آشفته آن‌ها را احساس کند.

رسانه‌ها در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پیشرفت بشری و یکی از با ارزش‌ترین وسایل آگاهی‌رسانی همگانی هستند که پیوسته و با سرعت سرسام‌آوری به دلیل جایگاه و اهمیت کلیدی و طبق نیازمندی متقاضیان در حال گسترش و فراگیری‌اند.

جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای، پدیده‌ای مهلک و نوظهور

پدیده جنگ در طول تاریخ با زندگی انسان‌ها همراه بوده و بخش مهمی از وقت انسان‌ها را درگیر خود کرده است. از جنگ‌های اولیه که با تیر و کمان و نیزه و شمشیر انجام می‌شده است، تا جنگ‌های امروزه که با بهره‌گیری از فناوری‌های پیچیده از قبیل انواع تانک‌ها، توپ‌ها، هواپیماها، موشک‌ها انواع هواپیماهای بدون سرنشین و یا متوسل شدن به سلاح‌های غیر متعارف از قبیل مواد شیمیایی و هسته‌ای و ... صورت می‌پذیرد. بنا به شرایط مکان و زمان نوع جنگ‌ها نیز متفاوت بوده است که بسته به شرایط از جنگ سخت، جنگ نرم، عملیات روانی، جنگ اقتصادی، جنگ سیاسی، جنگ رسانه‌ای و ... استفاده گردیده است.

با این مقدمه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷، به دلیل قطع دست چپاولگر آمریکا از کشور ما و قطع منافع کشورهای استکباری، دشمنی‌ها با نظام نوپای ملت ایران آغاز گردید. دشمن، ترور شخصیت‌ها را با هدف تضعیف روحیه، ناامید ساختن و ضربه‌زدن به نظام اسلامی در دستور کار خود قرار داد. انواع تحریم‌ها را بر علیه کشور ما اعمال و قائله‌های داخلی خوزستان و کردستان را به منظور تفرقه و از بین بردن وحدت اقوام و مذاهب ایرانی و فروپاشی نظام از داخل کشور به راه انداختند. جنگ ۸ ساله را بر کشور و ملت ما تحمیل کردند، جنگی که یکی از طولانی‌ترین، خونبارترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌ها در قرن حاضر و بعد از جنگ جهانی دوم لقب گرفت.

در تمام این مراحل، استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا جنایت‌کار، اصلی‌ترین هدف خود را بر اندازی نظام جمهوری اسلامی به عنوان مهم‌ترین سد و مانع در سر راه رسیدن به اهداف خود قلمداد کرده است. در این راستا دشمن میلیاردها دلار هزینه کرده و علی‌رغم وارد آوردن خسارت‌هایی، ولیکن به هدف اصلی و نهایی خود نرسیده است.



بنابراین دشمن بیکار ننشسته و همچنان در حال برنامه‌ریزی و صرف هزینه‌های هنگفت برای تداوم دشمنی خود با ملت و نظام ما با روش‌های مختلف می‌باشد. امروز به وضوح می‌بینیم که دشمن، جنگ نرم و جنگ رسانه‌ها را با محوریت ماهواره و اینترنت به منظور ضربه‌زدن به نظام ما در دستور کار خود قرار داده است که بیشترین تمرکز آن نیز بر روی خانواده به‌عنوان اصل و پایه اجتماع است.

همان‌گونه که در زمان ۸ سال دفاع مقدس، در برابر جنگ سخت و تجهیزات محور دشمن، تمام ملت ایران از زن و مرد، کوچک و بزرگ به پشتیبانی و حمایت از نیروهای مسلح پرداختند و یک دفاع عظیم را در برابر ماشین جنگی دشمن رقم زدند و سربلندی و افتخار را به ارمغان آورده و بزرگ‌ترین حماسه قرن حاضر را رقم زدند. امروز جامعه ما نیاز به یک دفاع منسجم، برنامه‌ریزی شده و یکپارچه فرهنگی در مقابل ناتوی فرهنگی دشمن است، تا بتواند حملات رسانه‌ای و ویران‌گر دشمن را خنثی نماید. آیا قدرت و ظرفیت دفاع فرهنگی ما قادر به مقابله تجهیزات دشمن در جنگ نرم هست؟ آیا همانند اراده قوی فرماندهان نظامی و رزمندگان دوران دفاع مقدس، در جهت مقابله با جنگ سخت، اراده قوی برای مقابله با جنگ نرم دشمن وجود دارد؟ آیا رسانه‌ها، صداوسیما، روزنامه‌ها و مجلات برای مقابله با جنگ نرم در یک جبهه واحد هستند؟ آیا حوزه‌های علمیه و ائمه جمعه و جماعات کشور و سیستم تبلیغات دینی به‌طور دقیق و همه‌جانبه در صف تقابل با جنگ نرم قرار دارند؟ آیا سخنرانی‌ها، سریال‌ها، میزگردها و دیگر برنامه‌های صداوسیما همه و همه در راستای مقابله با جنگ نرم قرار دارد؟ آیا همه سازمان‌ها و نهادها و ارگان‌ها، می‌دانند جنگ نرم چیست و تلاش و فعالیت‌های آنان در برابر جنگ نرم است؟

از جمله تفاوت‌های جنگ سخت و جنگ نرم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هدف: در جنگ سخت جسم و جان انسان‌ها، بناها، زیرساخت‌ها و... مورد هدف دشمن قرار می‌گیرد و اتفاقاً همین خسارت‌ها و تجاوز دشمن حس میهن‌دوستی، غیرت و سلحشوری و انگیزه افراد جامعه را برای اقدام متقابل و مبارزه با دشمن و تلاش برای شکست او برمی‌انگیزاند. در جنگ نرم، هدف دشمن به تسخیر درآوردن افکار، اندیشه‌ها، باورها و

اعتقادات، فرهنگ و اصالت افراد جامعه هدف می‌باشد و به‌جای تجاوز به مرزهای بین‌المللی یک کشور، جنگ را به داخل کشور یعنی خیابان‌ها، کوچه‌ها، جمع خانواده‌ها و مهم‌تر از همه مغز انسان‌ها هدایت می‌کند و مانند موریانه از داخل پایه‌های اصلی باورها و اصول جامعه مخاطب را هدف می‌گیرد.

مدت: دوره زمانی جنگ سخت محدود است و در یک محدوده زمانی شروع و پس از مدتی به پایان می‌رسد کم اتفاق می‌افتد که یک جنگی همچون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یا حمله عربستان به یمن طولانی شود. اما دوره زمانی جنگ نرم طولانی و زمان‌دار است. به‌عنوان نمونه جنگ نرم آمریکا علیه اتحاد جماهیر شوروی بیش از دو دهه طول کشید. **محدوده:** جنگ سخت معمولاً در مرزها و در محدوده‌های مکانی است. جغرافیای جنگ سخت خیلی گسترده نیست اما گستره جنگ نرم بسیار زیاد و به وسعت یک کشور یک منطقه و یک قاره است. جنگ نرم جبهه استکبار، جغرافیای جهان اسلام را در بر گرفته، ایران و انقلاب اسلامی بخش مهم و مورد توجه از منطقه تحت پوشش جنگ نرم دشمن به شمار می‌آید.

نیروها: نیروهای درگیر و جامعه مخاطب در جنگ سخت نیروهای نظامی و مردمی، کارآموده و آموزش دیده و سازماندهی شده هستند. نیروهای نظامی و رزمی هم در دوران صلح آمادگی لازم را کسب نموده و هم در طول جنگ انواع هدایت‌ها و توجیهات لازم را به همراه دارند. اما در نبرد نرم مجموعه آحاد ملت و مردم کشور، جامعه مخاطب آن بوده و به‌طور ویژه جوانان، زنان، دختران که میزان آسیب‌پذیری آنان نسبت به دیگر اقشار جامعه بیشتر است، نقطه اصلی هدف هستند.

خسارت: در جنگ سخت، اغلب خسارت‌ها مادی است اما در جنگ نرم خسارت‌های وارده همگی معنوی و متوجه ارزش‌های اصیل انقلاب و ملت است. خسارت‌های انسانی در جنگ سخت همراه با ایثار و فداکاری مردم و چنانچه فرد در این نبرد کشته شود به حیات ویژه جاودانه دست می‌یابد اما خسارت‌های انسانی در نبرد نرم منجر به مرگ معنوی و انحراف شده و سقوط انسانی را در پی دارد. خسارت انسانی در نبرد سخت

زمینه‌ساز افتخار خانوادگی و جامعه بوده و خسارت در نبرد نرم موجب سرشکستگی خانواده و جامعه می‌گردد و هزینه‌ها در نبرد سخت زمینه غرور و اقتدار ملی است اما خسارت‌ها در نبرد نرم زمینه‌ساز ذلت و انفعال می‌باشد.

آیا همان‌طور که در جنگ سخت همه دولت مردان و مردم ایثارگرانه همراهی داشتند، در جنگ نرم هم، چنین اهمیتی در قبال خسارت جنگ نرم مشاهده می‌شود؟
آثار: جنگ سخت دفعی، شتابان و پُر تحرک و همراه سروصدای فراوان است و با شلیک اولین گلوله و اولین بمب، همگان به حرکت درآمده از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. اما جنگ نرم، تدریجی، آرام، بدون سروصدا و به مراتب ویران‌گرتر است.

در حال حاضر بیشترین شبکه‌های ماهواره‌ای دنیا از کشور آمریکا مدیریت می‌شوند. ۹۰ درصد رسانه‌های آمریکا هم دست صهیونیست‌هاست و اغلب برنامه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان هم توسط صهیونیست‌ها اداره می‌شود! این‌که صهیونیست‌ها برای ما شبکه فارسی‌زبان با گرایش خانوادگی می‌سازد که صبح تا شب فیلم و سریال پخش می‌کند، باید ما را به هوش آورد که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ دشمن به‌صورت رسمی اعلام کرده است که ما برای این‌که بتوانیم با جمهوری اسلامی مبارزه کنیم باید با ابزار رسانه به سراغ ایران رویم چون ابزار نظامی کارساز نیست.

شبکه‌های ماهواره‌ای عمده‌تر در سه حوزه فعالیت می‌کنند که عبارت است از:

۱. شبکه‌های خبری و سیاسی مانند بی. بی. سی فارسی، صدای آمریکا، یورو نیوز، سیمای آزادی، شبکه‌های سلطنتی، کوموله؛
۲. شبکه‌های اعتقادی مانند شبکه وهابیت کلمه، شبکه وهابی وصال حق، شبکه ضد شیعی اهل بیت، شبکه سلام، شبکه فدک، شبکه‌های متعلق به بیت آیت‌الله شیرازی، شبکه مسیحی محبت، شبکه مسیحی نجات؛
۳. شبکه‌های ترویج سبک زندگی غربی مانند من و تو، پی. ام. سی موزیک، مجموعه شبکه‌های جم، پی. ام. سی فامیلی، شبکه فارسی وان.

این شبکه‌ها مأموریت دارند تا با پخش شایعات و تکرار آن‌ها، ایده‌آل معرفی کردن دنیای

غرب و برجسته کردن مشکلات کشورهای هدف از جمله ایران، با ایجاد بدبینی نسبت به حاکمیت، حمله به جایگاه ولایت فقیه، دامن زدن به نارضایتی‌ها و سوءاستفاده از خواسته‌های قانونی افراد جامعه، تحریف شخصیت‌های تأثیرگذار، رواج مصرف‌گرایی، تبلیغ مد و لباس، توهین و تفرقه بین شیعه و سنی، تلاش در راستای سست کردن اصالت خانواده ایرانی، ترویج سبک زندگی غربی به جای سبک زندگی ایرانی و اسلامی، ترویج فرهنگ برهنگی، ناکارآمد نشان دادن نظام، ترویج هوسرانی، ترویج خشونت، به تسخیر درآوردن فکر و ذهن جوانان و هدایت آن‌ها در مسیر مؤافق با خواسته‌های خود و... که همگی این فعالیت‌های رسانه‌ای دشمن در نهایت، براندازی نظام سیاسی حاکم بر کشورهای مخاطب (که کشور ما به عنوان اصلی‌ترین هدف دشمن جهت پیاده‌سازی این برنامه‌ها می‌باشد) را دنبال می‌کند، بر نظام و منابع ملی ما دست یابند.

آخرین برنامه دشمن در حوزه جنگ نرم، ایجاد ناآرامی‌ها و اغتشاشات آبان‌ماه سال ۱۳۹۸ بود که دشمن با برنامه‌ریزی قبلی و آموزش افراد خود فروخته و سوءاستفاده از خواسته‌های به حق مردم، مسیر مطالبات را منحرف و خسارت‌های جانی و مالی را به کشور وارد کردند که این نقشه شوم دشمن با بصیرت ملت بزرگ ایران، حول محور رهبری در کم‌ترین زمان خنثی و دشمنان قسم خورده این مردم را همانند گذشته روسیاه و ناامید و پشیمان کردند.

آری مهم‌ترین سلاح در مقابل تهاجم رسانه‌ای دشمن، افزایش بصیرت، افزایش سواد رسانه‌ای و افزایش سطح آگاهی آحاد مردم در راستای شناخت توطئه‌های دشمن و شناخت راه‌های ضربه زدن دشمن و مقابله با آن‌ها می‌باشد (امانلو، ۱۳۹۳).

نگاهی اجمالی به تلاش‌های در حال انجام در حوزه رسانه‌های منطقه‌ای و جهانی، این واقعیت تلخ را آشکار می‌سازد که تقریباً تمامی رسانه‌های مسلط بر جهان اعم از مکتوب، صوتی و تصویری عملاً به ابزاری برای استکبار جهانی تبدیل گردیده‌اند؛ در جهت ترسیم سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و ترویج فرهنگ غربی و لیبرالیسم سکولاریسم و نفی تنوع فرهنگی و تشویق به تمرد از اصول و ارزش‌های اسلامی و ملی گام برمی‌دارند.

دشمنی با ایران

در دنیای سرمایه‌داری، تمامی کشورها به مرکزیت امپراتوری توجه دارند. مرکزیت امپراتوری در عصر استعمار فرانو، تلاش دارد از سازوکارهای فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای و ارتباطی استفاده کند. درحالی‌که اگر منافع آنان به خطر بیفتد، هیچ حد و مرزی برای بی‌رحمی، خیانت یا وحشی‌گری وجود نخواهد داشت، چون خودشان منابع اصلی شری هستند که به بار آمده است.

انتقال از این وضعیت کاری دشوار است. تلاش برای این‌که چنین انتقالی با کم‌ترین خونریزی و بیشترین محافظت از دستاوردهای تمدنی انجام پذیرد، ارزشمند است. واقعیت‌های روابط ایران و آمریکا در دوران جمهوری اسلامی ریشه در چگونگی کنش رفتاری آمریکا در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی با ایران داشته است. در انگاره ذهنی ایرانیان، آمریکا دارای الگوی کنش ناپایدار و تغییر‌یابنده در برخورد با گروه‌های میانه‌روی ایرانی بوده است. چنین فرآیندی همواره در ذهنیت ایرانیانی وجود داشت که گام‌های نخست مبارزه انقلابی علیه سیاست آمریکا در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را رقم زدند.

بعد بعدی انگاره ایرانی در مورد چگونگی روابط ایران و آمریکا را می‌توان براساس واقعیتی به عنوان «دولت دست‌نشانده» جستجو کرد. مفهوم دولت دست‌نشانده در کتاب کلاسیک و تاریخی «مارک گازیوروسکی» تبیین شده است. گازیوروسکی تلاش داشت به ایالات متحده گوشزد کند که حمایت تسلیحاتی فراگیر از حکومت شاه می‌تواند مخاطرات زیادی را برای آینده روابط ایران و آمریکا به وجود آورد. واقعیت‌های روابط ایران و آمریکا در دوران حکومت شاه نشانه‌هایی از همکاری و مشارکت منطقه‌ای را نشان می‌دهد، اگرچه شاه همواره نسبت به برخی سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا نگرش انتقادی داشته است. ادبیات شاه در کتاب «به سوی تمدن بزرگ» و «پاسخ به تاریخ» بیانگر این واقعیت است که حتی ایالات متحده فشارهای سیاسی و اهداف فراگیر خود را بر متحدانی همانند حکومت شاه اعمال کرده و این امر منجر به اعتراض نسبت به سیاست خارجی و الگوی رفتاری آمریکا از سوی زمامداران ایرانی در دوران قبل از انقلاب شده است. در چنین شرایط و فضایی طبیعی

به نظر می‌رسد که ذهنیت ایرانی در دوران انقلاب و سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی براساس «نقش منطقه‌ای و الگوی کنش راهبردی ایالات متحده» شکل گرفته و تنظیم شود. ایالات متحده عموماً از سیاست تهاجم و الگوی کنش غیرمسئولانه بهره گرفته و تلاش دارند ایران را در فضای کنش راهبردی و فشارهای فزاینده وادار به انعطاف‌پذیری و شکست کنند. این امر منجر به تشدید تضادهای سیاسی و منطقه‌ای با ایران شده است. رویکرد رهبری جمهوری اسلامی در مورد هزینه‌های سازش بیانگر واقعیتی است که بخشی از ادراک جامعه ایرانی و روندهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است.

بحران‌سازی، محور اصلی سیاست راهبردی آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان علیه ایران تلقی می‌شود. نشانه‌های بحران‌سازی در ائتلاف علیه نقش منطقه‌ای ایران انعکاس داشته است. گسترش بحران اجتماعی و تصاعد اهداف اعتراضی شهروندان در حوزه‌های مختلف جغرافیایی ایران را می‌توان بخشی از سازوکارهایی دانست که در معادله سیاست راهبردی و امنیتی مثلث جدال علیه ایران شکل گرفته است. ادبیات شتاب‌زده مقام‌های آمریکایی، عربستانی و حتی صهیونیست‌ها در ارتباط با رویدادهای اجتماعی ایران، نشان می‌دهد که مقابله با ایران صرفاً یک گزینه تاکتیکی محسوب نمی‌شود، بلکه باید آن را ضرورتی راهبردی در انگاره مثلث تهدید علیه ایران دانست. اقدامات مثلث تهدید علیه ایران به‌عنوان بخشی از استراتژی بازی چندجانبه محسوب می‌شود. ارتقای سطح روابط و همکاری‌های تاکتیکی آمریکا با رژیم صهیونیست و عربستان علیه نشانگان امنیت ملی ایران، بخشی از راهبرد آمریکا برای محدودسازی نقش منطقه‌ای ایران است. بی‌ثبات‌سازی و گسترش بحران در کشورهای منطقه‌ای خاورمیانه مانند عراق، سوریه و ایران را میتوان در زمره عواملی دانست که «قدرت نسبی رژیم صهیونیست» در منطقه را افزایش خواهد داد. بهره‌گیری از سازوکارهای ائتلاف امنیتی سه‌جانبه را می‌توان به‌عنوان بخشی از سیاست محدودسازی قدرت منطقه‌ای ایران از طریق ارتقای نقش تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی کشورهای جهان عرب دانست.

واقعیت آن است که در فضای سیاست جهانی معادله قدرت و مقاومت بیشترین مزایای راهبردی را برای کشورها ایجاد می‌کند. در غیر این صورت، فشارهای سیاسی و رسانه‌ای

منجر به آشوب امنیتی در ایران خواهد شد. اگر ایالات متحده بتواند از تبدیل ایران به سرنوشت مشابهی همانند سوریه، عراق، لیبی، لبنان و یمن تردیدی نخواهد داشت. در چنین شرایطی، مقاومت به منزله انجام اقدامات غیرعقلایی در سیاست بین‌الملل محسوب نمی‌شود. مقاومت دارای زیرساخت‌های کنش عقلایی برای تأمین منافع ملی در شرایط تهدیدات امنیتی خواهد بود.

رهبر انقلاب از دشمنی باطنی آمریکایی‌ها با ایران از ابتدای روابط و با طرح‌های به‌ظاهر دوستانه سخن می‌گویند و تأکید می‌کنند اختلاف بین ملت ایران و آمریکا، حتی قبل از ۲۸ مرداد وجود داشت. رهبر انقلاب همچنین اساس انقلاب اسلامی ایران را مخالفت با آمریکا می‌داند و با اشاره به منطق مستحکم جمهوری اسلامی در مخالفت با آمریکا و دشمنی بنیادین آمریکا با مجموعه نظام اسلامی، بر تغییر نکردن رفتار آمریکایی‌ها از کودتای ۱۳۳۲ تاکنون تأکید می‌کنند. ساقط کردن دولت مصدق، قضیه تحریم‌ها، قضیه برجام، تجزیه طلبی و آشوب طلبی در ایران، سازمان‌دهی کودتای نظامی، تحریک افراد و قومیت‌ها، تحریک صدام به جنگ با ایران، جنگ فرهنگی دهه هفتاد، جنگ امنیتی-سیاسی سال ۱۳۸۸، اعمال نفوذ علیه ایران در سازمان ملل، تبلیغات شبانه‌روزی علیه ایران، حمله به ایرباس، حمله به طبس، حمله به سکوی نفتی، تحریم‌های نفتی و تجاری و سرمایه‌گذاری از مواردی است که رهبر انقلاب مرتبط با رفتارهای شرارت‌آمیز آمریکا به آن‌ها اشاره می‌کنند.

رهبر انقلاب مهم‌ترین محورهای دشمنی چهل ساله آمریکا را با ایران، دشمنی با استقلال ملت ایران، دشمنی با عزت ملت ایران و دشمنی با پیشرفت ملت ایران برمی‌شمارند و بر عمق داشتن این دشمنی و مربوط بودن آن به بحث هویت‌ها، حرکت‌ها و آرمان‌ها تأکید می‌کنند. از دیدگاه رهبر انقلاب، کودتای ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ سرآغاز دشمنی آشکار شیطان بزرگ با ملت ایران است که آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند تاریخ را تحریف و آغاز خصومت آمریکا با ایران را به تسخیر لانه جاسوسی مربوط کنند.

علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران موضوع دیگری است که رهبر انقلاب

تبیین می‌کنند؛ شکل‌گیری نهضت بزرگ دینی شکننده چهارچوب‌ها در جهان تقسیم‌شونده

میان شرق و غرب مادی، مطرح‌کننده دین و دنیا در کنار هم، ناکام‌کردن سردمداران گمراهی و ستم و چپ و راستِ مدرنیته، و سر دادن شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده نظیر آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال و عزت از جمله این علل محسوب می‌شوند. دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی، استکبارستیزی و ذلت‌گریزی، به گوشه رینگ رفتن آمریکایی‌ها و سیلی خوردن از اسلام و انقلاب اسلامی و بی‌توجهی به خواسته‌ها و توقعات آمریکا از دیگر علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبر انقلاب ارزیابی می‌شود.

سیطره صهیونیسم بر رسانه‌های جهان

صهیونیست‌ها پیوسته برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود، که تسلط مادی و معنوی بر ملت‌ها و دولت‌های جهان است، تلاش می‌کنند. آن‌ها با نفوذ در رسانه‌های جهان، شاه‌راه اطلاع‌رسانی بین‌المللی را در اختیار خویش گرفته‌اند و با تسلط بر رسانه‌های خبری، خبرگزاری‌ها، مطبوعات جهان و سیطره بر صنعت سینما و تلویزیون جهانی، صنعت چاپ و نشر و تولیدات تبلیغات تجاری در سطح دنیا تلاش می‌کنند تا دقت و حساسیت جوانان و نیروهای فعال و کارآمد جوامع مختلف به‌ویژه مسلمانان را نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی جامعه خویش از بین ببرند و آنان را به افرادی بی‌تفاوت و سطحی‌نگر مبدل سازند.

در سال ۱۸۶۹ میلادی خاخام یهودی «راشورون» در سخنرانی خود که در شهر پراگ و در اتمام یهود به تبلیغات ایراد کرد چنین گفت: «اگر طلا نخستین ابزار ما در سیطره و حکومت بر جهان است بی‌تردید مطبوعات و روزنامه‌نگاری (مؤثرترین رسانه آن عصر) دومین ابزار کار ما خواهد بود».

در اولین کنگره صهیونیسم که به ریاست تئودور هرتزل در سال ۱۸۹۷ میلادی در شهر بال سوئیس تشکیل شد، بر نفوذ و سیطره صهیونیست‌ها بر رسانه‌های دنیا تأکید شده است و شرکت‌کنندگان در این کنگره بر این نظر اتفاق داشتند که نقشه برپایی دولت اسرائیل جز با

تسلط بر سازمان‌های خبری جهان به‌ویژه مطبوعات و روزنامه‌نگاری (مؤثرترین رسانه آن عصر) میسر نخواهد شد.

لذا در پروتکل ۱۲ صهیونیسم آمده است: «ما جریان مطبوعات و روزنامه‌نگاری را بدین صورت در خدمت خویش در می‌آوریم؛ آرام‌آرام به سمت صهیونی کردن مطبوعات حرکت می‌کنیم و افسار و عنان آن را به دست گرفته و به سمت خود منعطف می‌سازیم. ما نباید بگذاریم که دشمنان مان به روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری که بیانگر آراء و نظرات آنان باشد، دست یابند. هیچ خبری نباید بدون کنترل و نظارت ما برای مردم بیان شود».

سیطره صهیونیسم بر رسانه‌های فراگیر و غیرفراگیر جهان، اکنون بیش از پیش نمایان شده است و مهم‌ترین خبرگزاری‌های دنیا (رویترز، فرانس پرس، اسوشیتد پرس) توسط افراد یهودی راه‌اندازی شده و در حال حاضر توسط یهودیان اداره می‌شود (لطیفی، ۱۳۸۱).

اهمیت تولیدات رسانه‌ای

در اهمیت رسانه‌ها این نکته کفایت می‌کند که در پرتو آگاهی‌دهی آن‌ها، موانع جغرافیایی و تا حدودی سیاسی و فرهنگی از میان برداشته شده و زمین با وسعت زیاد و میلیاردها نفر به‌وسیله رسانه‌ها با هم مرتبط شده‌اند و بسیار ساده می‌توانند از مناطقی دور دست معلومات و اطلاعات مورد نیاز خود را دست‌یابند. خبرگزاری‌ها و امپراطوری‌های خبری که از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند عبارت‌اند از: خبرگزاری آسوشیتد پرس، خبرگزاری یونایتد پرس، خبرگزاری رویترز، خبرگزاری فرانس پرس، خبرگزاری شین هوا، خبرگزاری آلمان و خبرگزاری ایتارتاس.

طبق آخرین آمار تا اکتبر سال ۲۰۰۸ بیش از ۶۸۰۰۰۰ شبکه رادیویی و تلویزیونی در قالب مؤسسات بزرگ و برخی به‌عنوان شبکه در جهان به ثبت رسیده است. مؤسسات رسانه‌ای (صرفاً شبکه‌های تلویزیونی) را می‌توان در پنج محور محوریت آمریکایی، محوریت اروپایی، محوریت عربی و شبکه‌های اسلامی خلاصه نمود.

آسیب‌شناسی تولیدات رسانه‌ای پس از انقلاب اسلامی

انقلاب و انقلاب اسلامی انقلاب از مفاهیم اساسی و پیچیده جامعه‌شناسی سیاسی است که در این حوزه از علوم سیاسی نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. انقلاب دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی است، نسبت به آنچه پیش از انقلاب استوار و پا برجا بوده است و این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم پیش می‌آید و کم‌تر با آرامش بوده و اغلب با کارهای خشونت‌آمیز، ویرانگی و خونریزی‌ها همگام است. (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۳۶۴)

براساس مشترکات نظریات عمده در مورد انقلاب، می‌توان به جمع‌بندی زیر دست یافت:

انقلاب فرایندی است که ابتدا تغییرات در نظام‌های اجتماعی یا جوامع باعث پیدایش نارضایتی اجتماعی و بسیج عمومی می‌شود. با وجود تلاش سنجیده و کوشش رهبران و پیروان با هدف براندازی نظام حاکم، توده‌ها به کمک ایدئولوژی و سازمان‌های وابسته، به‌صورت آگاهانه و با خشونت، نسبت به سرنگونی رژیم حاکم اقدام می‌کنند و پس از درگیری و پیروزی، برنامه‌های خود را اجرا می‌نمایند (اسکاج پل، ۱۳۷۶، ۳۲). پس انقلاب‌ها جنبش‌های هدف‌دار و دارای آگاهی هستند.

انقلاب‌های اجتماعی به‌ندرت شکل می‌گیرند، اما رخداد‌های مهمی در تاریخ به شمار می‌روند. این انقلاب‌ها سازمان‌های دولتی، ساختار طبقاتی و ایدئولوژی‌های مسلط و همچنین ارزش‌ها و شخصیت‌های پایبند به آن‌ها را دگرگون کرده و باعث پیدایش ملل جدیدی شده‌اند که قدرت و استقلال آن‌ها به نسبت قبل از انقلاب بیشتر است و در موقعیت بهتری از کشورهای هم‌ترازشان قرار گرفته‌اند: نیروهای انقلابی فرانسه به‌طور ناگهانی به قدرت فائقه قاره اروپا بدل شدند و انقلاب روسیه ابرقدرتی صنعتی و نظامی ایجاد کرد.

این تأثیرات در مورد انقلاب اسلامی ایران هم صادق بوده است؛ مانند دگرگونی‌هایی که بعد از انقلاب در اجتماع ایران رخ داد که ما امروزه به‌لحاظ عزّت، قدرت بومی، استقلال، پیشرفت و... در موقعیت بهتری قرار داریم. ظهور و بروز شخصیت‌هایی نظیر حاج قاسم سلیمانی نیز از دیگر نشانه‌های اصالت انقلاب اسلام است.

انقلاب‌های اجتماعی فقط به‌لحاظ ملی مهم نیستند، در بعضی موارد این انقلاب‌ها باعث رشد الگوها، اندیشه‌ها و خواسته‌های بزرگ بین‌المللی می‌شوند، به‌ویژه اگر این تحولات در کشورهایی روی دهد که به‌لحاظ جغرافیای سیاسی مهم و از نظر وسعت پهناور باشند.

این تأثیرات فراملی در حوزه اندیشه و فکر را در چند انقلاب بزرگ جهانی می‌بینیم. در انقلاب کبیر فرانسه، لیبرالیسم و تحول مباحث فکری غرب را شاهد هستیم و در انقلاب روسیه و چین مباحث کمونیسم و به‌اصطلاح چپ در سطح جهان گسترش یافت. هر کدام از این دسته انقلاب‌ها الگویی برای سعادت بشریت ارائه دادند و پرچم‌داری نیمی از جامعه جهانی را برعهده گرفتند. انقلاب اسلامی ایران هم اهمیت جهانی یافته و الگوی نوینی را در حوزه اندیشه ارائه کرده است و خواسته‌های بزرگ بین‌المللی و جهانی دارد: مانند عدالت‌خواهی همراه معنویت نه عدالت‌خواهی ریاکارانه کمونیستی، آزادی همراه اخلاق نه آزادی لجام گسیخته به شکل غربی و همین‌طور ارائه الگوی جدیدی از مردم‌سالاری در برابر لیبرال دموکراسی غرب و نیز نوعی حکومت و دولت که در آن به تمام اصول انسانی و سعادت‌بخش توجه شده است؛ آن هم نه از روی فکر و اندیشه انسانی که سیال، و دائماً در تغییر است، بلکه از روی دین الهی اسلام که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه کامل دارد و دارای جهان‌بینی همه‌جانبه و عمیق با روش و ایدئولوژی است که از سوی خدا و پیامبر اکرم ﷺ عنوان شده است؛ راه و روشی که نه تنها هیچ وقت اصول آن کهنه نمی‌شود و از بین نمی‌رود، بلکه روزبه‌روز نیز بر قدرت و شوکت این انقلاب افزوده شده و مانند انقلاب‌های دیگر به عقب‌گرد و دیکتاتوری دچار نشده است؛ چون در آن قدرت ارزش نیست؛ بلکه قدرتی که در خدمت مردم باشد ارزش است و مردم از ارکان اصلی این انقلاب هستند.

با تمام این تفاسیر، اگر انقلاب مورد مطالعه آسیب‌شناسانه قرار نگیرد، نمی‌تواند به سر منزل مقصود برسد و دچار دگرگونی و تغییر ماهیت می‌شود.

آسیب‌شناسی یعنی شناسایی مجموعه‌ای از خطرهای و بحران‌هایی که «می‌تواند یک نظام سیاسی کارآمد را تضعیف نموده و یا حتی آن را از پای درآورد» (حلیمی بلخایی، ۱۳۸۲، ۲۶۵) و موجب فروپاشی شود.

در علوم سیاسی که از ساختار دولت و قدرت بحث می‌شود، آسیب‌شناسی آن هم مربوط به آسیب‌هایی است که به ساختار دولت و قدرت می‌رسد. این آسیب‌ها ممکن است نرم‌افزاری (یعنی در حوزه اندیشه، فکر و ذهن باشد که ناملموس است) یا سخت‌افزاری (یعنی در حوزه عمل و عین که رویت‌شدنی و ملموس است) باشد و باید متناسب با آن آسیب‌ها اقدام نمود. اما در آسیب‌شناسی یک انقلاب چون مبحث انقلاب مربوط به جامعه‌شناسی سیاسی است باید به آسیب‌هایی توجه نمود که به رابطه جامعه و دولت مربوط می‌شود. بنابراین در مبحث آسیب‌شناسی انقلاب نه فقط آسیب‌شناسی جامعه مطرح است و نه فقط آسیب‌شناسی دولت، بلکه آسیب‌شناسی رابطه متقابل ساخت جامعه با دولت مطرح است. انقلاب وقتی روی می‌دهد که این رابطه به گونه‌ای باشد که نظم حاکم بین جامعه و دولت به هم بخورد و بی‌نظمی حاکم شود.

پس آسیب‌شناسی انقلاب یعنی آسیب‌شناسی نظم. این نظم است که رابطه‌های بین ساخت‌های جامعه و دولت را حفظ می‌کند و اگر دولتی نتواند نظم بین خود و جامعه را حفظ نماید، اگر دموکراتیک باشد به روش مسالمت‌آمیز قدرت از او گرفته می‌شود و اگر دموکراتیک نباشد و استبداد بر سر آن جامعه سایه افکننده باشد و آن جامعه هم پذیرای آن استبداد نباشد و با آن مبارزه کند، قدرت به شکل غیر مسالمت‌آمیز و با خشونت و همراه دگرگونی‌های ایجادشده بین ساخت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جابه‌جا می‌شود.

برای این که انقلاب به انحراف کشیده نشود، باید مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد و از سوی دیگر برای جلوگیری از انحراف انقلاب باید اصلاحات به موقع در جامعه انجام شود، پس آسیب‌شناسی انقلاب مساوی است با اصلاحات به موقع در آن انقلاب. چون هر انقلابی حتماً با خطرها، بحران‌ها و آسیب‌هایی روبه‌روست، باید اولاً ساختار آسیب‌پذیر اصلاح شود و ثانیاً آسیب‌هایی که به آن رسیده است درمان گردد و بعد از آن هم باید آسیب‌های احتمالی را پیش‌بینی کرد و جلوی آن‌ها را گرفت.

از مواردی که می‌توان به تولیدات رسانه‌ای پس از انقلاب خرده گرفت، موارد زیر از

اهمیت بیشتری برخوردارند:

۱. رسانه‌ها و بی‌تفاوتی نسبت به انقلاب اسلامی: یکی از آسیب‌هایی که هر انقلاب به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌کند و از آسیب‌های جدی آن است بی‌تفاوتی و مسئولیت‌ناپذیری است که به آن در جامعه‌شناسی آنومی گفته می‌شود. «جامعه‌شناسی به نام م مک ایور، آنومی را بدین‌سان تعریف کرده است: آنومی عبارت است از حالت ذهنی کسی که به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت پا زده، دیگر اعتقادی به جمع جامعه خویش ندارد و خود را مجبور به تبعیت و پیروی از آن‌ها نمی‌بیند. انسان آنومیک از نظر ذهن سِتْرَوَن می‌شود و تنها به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ کس و هیچ چیز را نمی‌پذیرد» (شیخاوندی، ۱۳۷۰، ۷۵). به عبارت دیگر، آنومی زمانی است که مردم از هنجارها و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه که انقلاب به وجود آورده و از اسلام نشأت گرفته است روی برمی‌گردانند و با جامعه خود، که جامعه‌ای اسلامی است، به بیگانگی می‌رسند و خود را ملزم به رعایت هنجارهایی که در جامعه است نمی‌بینند و هیچ مسئولیتی را در جامعه برعهده نمی‌گیرند. این آنومیک‌شدن انسان‌های جامعه اسلامی یکی از خطرهای جدی برای بقای انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن است؛ چون در این صورت مردم بعد از مدتی نسبت به انقلاب و دستاوردها و هنجارهایی که از طریق انقلاب بر جامعه حاکم شده است بی‌تفاوت می‌شوند که اگر این بی‌تفاوتی درمان نشود، کم‌کم به مخالفت با نظام و انقلاب تبدیل می‌شود و اگر این هم درمان نشود به رویارویی با انقلاب و نظام منجر می‌شود و وقتی مردم یک انقلاب علیه خود آن انقلاب بپاخیزند دیگر آن انقلاب به انتهای سقوط خود رسیده است و دیگر چیزی به نام انقلاب وجود ندارد. (این خطر بارها از سر مردم گذشته است، نظیر رویدادهایی که در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۸ رخ داد. اما باید مراقب حرکت‌های بعدی دشمنان در این زمینه باشیم. آن‌هم در این برهه حساس)

زمانی، فرد در جامعه آنومی می‌گردد که ارزش‌ها و اصول جامعه زیر پا گذاشته شود و فرد ببیند که دیگران ارزش‌ها و اصولی را که به خاطر آن‌ها انقلاب شده است زیر پا می‌گذارند و دنبال منافع شخصی و گروهی خود هستند. جامعه وقتی به این سمت حرکت می‌کند که ببیند مسئولان، خود به این ارزش‌ها و اصول احترام نمی‌گذارند. برای درمان این آسیب اولاً

باید مسئولانی را که اینچنین هستند از کار برکنار نمود و ثانیاً رسانه‌ها مسئولانی را نشان دهند که به ارزش‌ها و اصول پایبندند.

این یک بُعد آنومی است، بُعد دیگر بی‌تفاوت کردن است که این کار را بیگانگان و بدخواهان این انقلاب با زیرسؤال بردن ارزش‌ها و اصول، حساسیت‌زدایی از جامعه نسبت به انقلاب و ایجاد فضای یأس‌آلود و ناامیدکننده نسبت به آینده انجام می‌دهند؛ چون انسان، اگر امیدش به آینده را از دست بدهد، دیگر سرنوشت جمعی خود را فراموش می‌کند و به دنبال منافع و سرنوشت فردی خود می‌رود و کاری با سرنوشت جامعه ندارد و نسبت به آن بی‌تفاوت می‌شود؛ این همان جنگ روانی و رسانه‌ای با انقلاب است که توسط رسانه‌های بیگانه و نیز رسانه‌های وابسته به آن‌ها در داخل انجام می‌شود. در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم که چگونه رسانه‌ها، هنجارها و اصول اسلام و انقلاب را زیر سؤال می‌بردند و ذهن مردم را حساسیت‌زدایی می‌کردند تا سبب بی‌هنجاری مردم شوند که در عمل پشتیبان انقلاب خود نباشند. فقط افرادی در این میان تأثیر نمی‌پذیرند که عقیده‌ای محکم داشته باشند. در این میان وظیفه رسانه ملی و رسانه‌های معتقد به نظام و انقلاب بسیار اساسی است؛ چون این رسانه‌ها با حساس کردن مردم نسبت به دستاوردهای انقلاب و اصول و ارزش‌های محکم اسلام، آن‌هم با منطقی درست و صحیح، خنثی شدن این جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن را سبب می‌شوند. رسانه‌های معتقد به انقلاب باید با ابزارهای هنری ظریف و زیبا حساسیت مردم را بالا ببرند و مردم را با روش‌های مختلف امیدوار کنند. یکی از این روش‌ها آموزش است؛ به این صورت که «رسانه‌های جمعی و... از طریق آموزش، فرد را آماده می‌کنند تا صفات و خصوصیات عضو جامعه یا social بودن را کسب کند». اگر رسانه‌ها صفات و خصوصیات جامعه اسلامی را که انقلاب و نظام در جامعه به وجود آورده و نهادینه کرده‌اند به افراد جامعه آموزش دهد، می‌توان جلوی این آسیب و جنگ رسانه‌ای را که بیگانگان و بدخواهان آن را هدایت می‌کنند گرفت.

۲. رسانه‌ها و آسیب تحریف مبانی دینی و اصول انقلاب اسلامی: از آنجایی که

انقلاب اسلامی از اسلام نشأت گرفته است یکی از آسیب‌هایی را که رسانه‌ها می‌توانند به

انقلاب برسانند گسترش خرافات، تحریف مفاهیم دینی و زیرسؤال بردن عقاید دینی مردم و تفاسیر نادرست از دین کردن (مثلاً استبدادی جلوه دادن دین) است که سبب آسیب رساندن به محیط ارزشی و تسری آن به ساخت‌های جامعه اسلامی می‌شود؛ (راه انقلاب: مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ۳۰۲).

در این بین، تحریف شخصیت‌های وابسته به این تفکر نیز دیده می‌شود. یعنی اگر در جامعه اسلامی ایدئولوژی اسلام ناب و شخصیت‌های ظهور کرده از بطن آن که زمینه‌ساز انقلاب بوده‌اند به گونه‌ای تفسیر شوند که اصالت‌شان (از حیث دینی بودن) را از دست بدهد، بدیهی است که ساخت‌های موجود در جامعه شدیداً متأثر می‌شود. وقتی رسانه‌ها به بستر ارزشی نظام اسلامی هجوم می‌آورند و ارزش‌های جامعه اسلامی را به سخره می‌گیرند و تفسیر نادرست از آموزه‌های دینی در جهت اهداف سیاسی خود و گروه‌هایی که به آن‌ها وابسته‌اند ارائه می‌نمایند باعث ایجاد شکاف بین محیط ارزشی جامعه با ساخت‌های جامعه می‌شوند. در این صورت هرچه رسانه‌ها بیشتر به نظام وابسته باشند این شکاف عمیق‌تر خواهد بود. این شکاف باعث می‌شود مردم از حکومت فاصله بگیرند و به آن بدبین شوند و حکومت دچار بحران مشروعیت شود و پشتوانه مردمی خود را از دست بدهد. همان‌طور که در سال‌های قبل دیده شد تعدادی از نشریات زنجیره‌ای با زیرسؤال بردن و به استهزاء گرفتن احکام و ارزش‌های الهی باعث شدند جامعه به سمت بحران مشارکت حرکت کند و تأثیر آن را در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی و دومین دوره شوراها دیدیم، اما چون این نشریات به حکومت وابستگی نداشتند یا وابستگی آن‌ها کم بود تأثیر اندکی هم بر جای گذاشتند و نتوانستند محیط ارزشی جامعه را با بحران جدی مواجه سازند. در این خصوص رسانه‌های معتقد به انقلاب و نظام و اسلام می‌توانند با تفاسیر درست از آموزه‌های دینی و ارزش‌های جامعه اسلامی، انقلاب را از بحران مشروعیت نجات دهند.

پاسخ‌ندادن علمی و منطقی به شبهات ایجادشده از سوی بدخواهان و بیگانگان در مورد اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، خالی کردن انقلاب از ارزش‌ها و اصول تشکیل‌دهنده‌اش و بی‌هویت کردن آن آسیب دیگری است که انقلاب را تهدید می‌کند،

از این رو متولیان امور فرهنگی و رسانه‌ها باید بتوانند جواب‌های علمی و عقلی را از مراکز علمی بگیرند و اعتبار و مدرک مفاهیم و ارزش‌های انقلاب را به‌طور منطقی به‌وسیله اتصال آن‌ها به اسلام ناب، که برآمده از فطرت‌هاست، بالا برند و اسناد و مدارک متقنی ارائه نمایند. این کارها باید از طریق رسانه‌ها که وظیفه رساندن پیام به مخاطبان را دارند انجام شود و جلوی جنگ رسانه‌ای دشمن، که می‌خواهد با زیرسؤال بردن اصول انقلاب و گسترش آن، جامعه را از هویت انقلابی-اسلامی خود تهی کند و باعث فروپاشی انقلاب از درون شود، را بگیرند؛ زیرا جامعه بدون هویت انقلابی-اسلامی دیگر به انقلاب خود وفادار نیست و انقلاب بدون پشتوانه مردمی به‌وسیله نظام سلطه جهانی مصادره می‌شود. پس همان‌طور که مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان فرمودند، «مقابله با این تلاش، وظیفه افراد متفکر و نخبه، به‌ویژه نخبگان روحانی است که باید با همت و اراده جدی وارد میدان شوند و ضمن استحکام بخشیدن به پایه‌های دینی و اعتقاد جوانان و تبیین معارف غنی دینی، با روش‌های منطقی و استدلال‌های متین در جهت مقابله با مطالب خرافی و وهن‌آلود گام بردارند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۱۷).

اعلام وابستگی افراد و شخصیت‌ها، به هر یک از ارکان نظام و تلاش در جریحه‌دار کردن روح و روان مردم از طریق ارائه اخبار مختلط (از حیث کذبی و راست بودن) از شخصیت‌های نظام (نظیر آقا‌زاده‌ها و شرکت‌ها و فسادهای مالی و اخلاقی مسئولین) نیز، دیگر راه‌های تحریف این انقلاب است. از آن جایی که این شخصیت‌ها به‌شدت وابسته به نظام هستند و می‌توان گفت آن‌ها فرزندان و عصاره انقلاب اسلامی هستند، ارائه اخبار ضد و نقیض و اکثر خلاف میل مردم، آن‌هم در این شرایط حساس اقتصادی و معنوی حاکم بر ملت، باعث ضربه خوردن به حیثیت نظام و در اعلی درجه، اسلام خواهد شد. نظیر اخباری که به تازگی در مورد بودجه‌های تعلق گرفته به نهاد شهید سلیمانی و دیگر نهادهای فرهنگی مذهبی ایران منتشر شد. رسانه‌های معتقد به انقلاب، می‌بایست ضمن نقض اکاذیب مطرحه، با ارائه آمار و مستندات صحیح، مردم را متوجه اخبار صحیح و بسیار مهم‌تر موجود در فضای سیاسی و اعتقادی کشور نمایند تا این حربه دشمنان نیز خنثی شود.

۳. رسانه‌ها و آسیب نظارت‌نکردن بر ساختار نظام اسلامی (بحران در کارآمدی):

یکی از آسیب‌ها این است که رسانه‌ها کارکرد نظارتی خود را از دست بدهند که در این صورت سلامت نظام زیر سؤال می‌رود و به زیر سؤال رفتن کارآمدی نظام هم منجر می‌شود. در این صورت نظام با «بحران در کارآمدی» (راه انقلاب: مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ۳۰۰) روبه‌رو می‌شود. پس یکی از وجوه بحران کارآمدی، نظارت‌نکردن از پایین به بالاست که این کار از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود؛ چون رسانه‌ها نماینده افکار عمومی جامعه هستند. نظارت، دو گونه است: نظارت درونی و بیرونی.

در نظارت درونی گروهی از دستگاه‌ها بر عملکرد دستگاه‌های دیگر نظارت می‌کنند، اما در نظارت بیرونی که از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود با موضوع پاسخگویی مسئولان روبه‌رو هستیم. اگر مسئولی نسبت به عملکرد خود پاسخگو نباشند یا در پاسخگویی، برای توجیه ضعف‌های خود از دین مایه بگذارد، به سلامت نظام ضربه وارد می‌کند و سیستم را به بحران کارآمدی دچار می‌نماید. در نظارت رسانه‌ها، وقتی آن‌ها -البته رسانه‌های سالم و مستقل- مشکلات و کمبودها را بازگو می‌کنند باعث می‌شوند جامعه برای رفع موانع جلوی راه خود تلاش کند و بدین صورت پویا گردد. پس نظارت رسانه‌ها ارتباطی مستقیم با پویایی جامعه دارد که این پویایی و مشارکت در کارها باعث می‌شود نظام اسلامی، که روشی دموکراتیک دارد، سالم بماند؛ چون وقتی جامعه ببیند که آن‌هایی که با رأی خود بر سر قدرت نشاندند است در اداره امور کاهل یا ناتوان‌اند، در مشارکت بعدی خود، آن‌ها را کنار می‌گذارد و عده‌ای دیگر را بر سر قدرت به خدمت می‌گیرد و همه این‌ها مستلزم آن است که رسانه‌ها مسئولیت نظارتی خود را به‌خوبی انجام دهند. در جامعه کنونی مان مصادیق این نظارت‌ها را در برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی شاهدیم مانند برنامه جهان آرا و دست خط. بعضی از مطبوعات نیز با نقد سازنده باعث می‌شوند مشکلات جامعه رفع گردد.

۴. رسانه‌ها و آسیب مصرف‌گرایی برای انقلاب اسلامی: یکی دیگر از آسیب‌هایی

که انقلاب را تهدید می‌کند مصرف‌گرایی است. مصرف‌گرایی جامعه را از پویایی و تلاش برای استقلال خود باز می‌دارد. این آسیب دارای دو بعد اقتصادی و علمی است؛

مصرف‌گرایی باعث نیاز کشور به واردات کالاهای مادی می‌شود و این مسأله کشور را به لحاظ اقتصادی وابسته می‌کند که این وابستگی به انقلاب ضربه می‌زند و ما را نیازمند دیگران می‌کند. البته در جهان امروزی که بین همه کشورها وابستگی متقابل اقتصادی حاکم است این قضیه ضربه چندان تهدیدکننده‌ای محسوب نمی‌شود. اما وقتی انقلاب اسلامی دائماً در تحریم به سر می‌برد و با سه قطع‌نامه اخیر شورای امنیت بر سر مسأله هسته‌ای ایران این تحریم‌ها بیشتر شده است به‌ویژه در مورد کالاهای اساسی مانند بنزین، که اگر سهمیه‌بندی نمی‌شد یکی از تهدیدهای جدی برای انقلاب به حساب می‌آمد، این آسیب جدی تلقی می‌شود. اما بعد مصرف‌گرایی علمی که به آن نهضت ترجمه گفته می‌شود، وابستگی بلندمدتی است و به ماهیت انقلاب می‌تواند ضربه وارد کند. این بعد علمی مصرف‌گرایی نیازمند «نهضت جنبش نرم‌افزاری و تولید علم» است و باید کوشید تا به لحاظ علمی و نرم‌افزاری نیازمند بیگانگان نباشیم. وقتی این احتیاج برطرف شود، ما می‌توانیم در زمینه تولید کالاهای اقتصادی هم، از مصرف‌گرایی صرف به مولدی کارآمد در زمینه تولید انواع کالاهای مادی و فرهنگی تبدیل شویم. وظیفه رسانه‌ها این است که مصرف‌گرایی صرف و بدون تولید را در هر دو زمینه اقتصادی و علمی مذموم بدانند و کشور را به کسب علم و شجاعت در تولید علم و کالا ترغیب کنند. رسانه‌ها می‌توانند در پیشبرد نهضت و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم تأثیرگذار باشند، باید با صاحب‌نظران مصاحبه کنند، میزگردهایی در این زمینه‌ها برگزار نمایند و راه‌کارهای اجرایی این نهضت را به صورت یک کار تحقیقی اعلام کنند و به جامعه علمی ارائه نمایند و شوری عمومی در جامعه راه بیندازند تا عموم مردم به فکر تولید، چه کالا و چه علم، باشند و به خود جرأت دهند و با شجاعت آنچه را در ذهن دارند از حالت بالقوه به بالفعل درآورند، که از مصادیق عینی آن تأسیس رادیو گفتگوست.

۵. رسانه‌ها و آسیب تفرقه و نبود همبستگی در انقلاب اسلامی: یکی دیگر از آسیب‌هایی که به انقلاب لطمه وارد می‌کند تفرقه و نبود همبستگی ملی است؛ یعنی همبستگی مردم با مردم و همبستگی مردم با مسئولان که جمع بین این دو همبستگی ملی را تشکیل می‌دهد. به‌طورکلی پس از تشکیل هر نظامی، هر چه میزان ارتباط و همبستگی

که براساس نظریه ابن خلدون به عصبیت تعبیر می‌شود در بین اجزای آن رو به فزونی باشد قطعاً آن مجموعه در پیشبرد اهداف عالی خود به صورت متقن و محکم، ثابت و پایدار می‌تواند گام بردارد. ولی اگر این همبستگی و عصبیت به تفرقه تبدیل شود، اساس انقلاب و یکی از پایه‌های اصلی آن که مردم هستند متزلزل می‌گردد و باعث ضربه خوردن انقلاب می‌شود. وحدت از اول پیروزی انقلاب تا مادامی که انقلاب است باید بین تمام اجزا و ساخت‌های جامعه و دولت و بین جامعه و دولت وجود داشته باشد؛ زیرا یکی از عوامل بقای انقلاب است. می‌توان گفت همبستگی ملی با ضریب امنیت ملی رابطه مستقیم دارند. حضرت علی علیه السلام بُرنده‌ترین سلاح دشمن را تفرقه و اختلاف دانسته (محمدی، ۱۳۷۹، ۹۱) و همچنین تفرقه را عامل سقوط و از بین رفتن ملک و مملکت معرفی کرده و همچنین امام خمینی علیه السلام فرموده‌اند: «اگر خدای ناخواسته، اسلام در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند، الان یک تکلیف بسیار بزرگی که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران و حفظ اسلام در ایران به وحدت شماهاست» (شیدانیان، ۱۳۷۹، ۱۶۷). پس در سایه همبستگی و وحدت است که پیشرفت حاصل می‌شود و مقاومت در برابر بیگانگان شکل می‌گیرد و پیروزی حاصل می‌شود. در این زمینه رسانه‌ها می‌توانند با پخش یک خبر بجا یا نابجا باعث بالارفتن همبستگی ملی یا ایجاد تفرقه بین مردم شوند، مانند روزنامه سلام که در تیرماه سال ۱۳۷۸ با چاپ مطلبی درباره قتل‌های زنجیره‌ای باعث شد تفرقه و اختلاف بین گروه‌هایی از جامعه به وجود آید و کشور و انقلاب را به بحران دچار کرد، یا مانند صداوسیما که با پخش برنامه‌های متنوع در خصوص انتخابات باعث حضور مردم در صحنه و همبستگی بیشتر می‌شود. در همین چهارچوب و برای تقویت همبستگی ملی باید رسانه‌ها به عامل قومیت توجه خاص داشته باشند و به اختلافات قومی دامن نزنند و بیشتر بر اشتراکات قومی تأکید کنند. از مصادیق اقدام رسانه‌ها در دامن‌زدن به اختلافات قومی، کاریکاتور روزنامه ایران در سال ۱۳۸۵ بود که باعث عصبانیت و اعتراض آذری زبان‌ها شده بود. آن‌ها باید برای همبستگی بیشتر به نمادهای همبستگی که همه جامعه به

آن‌ها احترام می‌گذارند، و نیز به عامل دین، که وحدت بخش تمام قشرهای جامعه است بیشتر توجه کنند.

۶. رسانه‌ها و آسیب شناسایی نکردن دشمنان انقلاب اسلامی: یکی دیگر از آسیب‌هایی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند شناختن دشمنان و به موقع عمل نکردن در برابر ترفندهای آنان است. اگر مجموعه‌ای مانند انقلاب اسلامی، که طی ۲۹ سال انواع و اقسام دشمنی‌ها را دیده است، دشمن خود را نشناسد، نمی‌تواند راه خود را به‌درستی و سلامت طی کند و به اهداف عالی انقلاب نایل آید. «در دشمن‌شناسی ما باید چگونگی دشمنی، ابزارهای دشمنی و این‌که آن‌ها از چه طرقتی به ما ضربه می‌زنند و... را شناسایی و راه‌های مقابله با آن را بدانیم و این‌ها همه هوشیاری دائمی جامعه و نخبگان را می‌طلبد؛ چون دشمنی‌ها دائمی هستند. البته نباید دچار این ترفند دشمنان شد که خیال کنیم همه این‌ها توهم توطئه است، نه این‌گونه نیست، بلکه یکی از مصادیق کوچک دشمن‌شناسی این است که بدانیم دانیل پاییز، روزنامه‌نگار جنجالی نو محافظه‌کار، پسر ریچارد پاییز، استاد هاروارد و از جنگجویان سرشناس جنگ سرد فرهنگی، از کسانی است که در سال‌های اخیر مفهوم «توهم توطئه» را رواج داده و آن را به ابزار تبلیغاتی برای تخطئه پژوهش‌های تاریخی درباره جایگاه کانون‌های استعمار بدل کرده است» (عبدالله شهبازی، ۱۳۸۲، ۳۶). به همین خاطر ضروری است ترفندهای دشمنان شناسایی و به موقع و صحیح عمل شود. وظیفه رسانه‌ها در این آسیب‌شناسی بسیار حساس است؛ چون همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «جنگ ما جنگ رسانه‌ای است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار از صداوسیما، ۱۳۸۳)، یعنی رسانه‌ها در خط مقدم نبرد با دشمن قرار دارند و یکی از کارکردهایی که باید داشته باشند شناساندن دشمن به طرق مختلف و از زوایای گوناگون به جامعه و تزریق هوشیاری به جامعه است. این‌ها باید با تولید برنامه‌هایی، زوایای ریز و درشت دشمنی دشمنان را بازگو کنند تا جامعه در موقع عمل به بحران شناخت دچار نشود. یکی از مصادیق عینی آن پخش کنفرانس برلین از طریق شبکه اول سیما بود که هم دشمنی دشمن خارجی را نشان می‌داد و هم همراهی بعضی از دنباله‌روهای داخلی را که در این کنفرانس شرکت کردند، از دیگر مصادیق

آن اقدام نشریات در شناسایی و مشخص کردن چهره بهائیت از طریق شرح نحوه ظهور این فرقه و اقدامات سران آن است.

پس رسانه‌ها باید برای نبرد مستقیم با دشمن وارد میدان شوند، شایعه‌پراکنی‌ها را خنثی، و غرض‌ورزی‌های رسانه‌های دشمن را آشکار نمایند و در جنگ روانی دشمن مرعوب نشوند و طوری عمل کنند که جامعه هم مرعوب نشود. از مصادیق بارز این غرض‌ورزی‌ها جنگ روانی تمام عیاری است که دشمن در برابر مسأله هسته‌ای با کشور ایران به راه انداخته است.

۷. رسانه‌ها و آسیب تحریف تاریخ و ارائه قرائت‌های مختلف از انقلاب اسلامی:

از دیگر آسیب‌هایی که انقلاب اسلامی را می‌تواند با مشکل روبه‌رو کند، تحریف تاریخ انقلاب و طرح قرائت‌های مختلف از ماهیت انقلاب اسلامی است. نظریه‌پردازان مختلف شرق و غرب انقلاب اسلامی را در قالب چند نظریه حاکم و رایج در علوم اجتماعی مانند «بسیج منابع (چارلز تیلی)، توسعه نامتوازن (هانتینگتون)، ساختارگرایی (اسکاچ پل)، محرومیت نسبی (تدکار)، شیوه تولید اقتصادی (مارکس) و...» تحلیل می‌کنند (ره‌دار، ۱۳۸۴، ۳۳). صاحبان این نظریات به‌شدت در تحلیل انقلاب اسلامی ایران با مشکل روبه‌رو هستند و ناگزیرند بسیاری از مقوله‌های چهارچوب نظری شان را هنگام منطبق ساختن بر انقلاب اسلامی نادیده بگیرند و حتی خلاف آن‌ها را بیاورند؛ مانند خانم اسکاچ پل که معتقد بود در دولت‌های رانتیر انقلاب نمی‌شود، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مجبور شد به‌نوعی خلاف عقیده خود را بنویسد. دوستان نادان و دشمنان دانا برای این که بتوانند انقلاب را به نفع خود مصادره کنند و بهره‌ای را که از آن می‌خواهند ببرند ناچارند که تفسیرهایی از انقلاب کنند که به نفع‌شان باشد، که یکی از مصادیق عینی آن کتاب «ایران بین دو انقلاب» اثر پرواند آبراهامیان است؛ چون وی دارای گرایش‌های فکری چپ‌گرایانه است، اولویت تحقیق خود را در این کتاب به سیر ظهور و افول حزب توده اختصاص داده است.

یکی از تحریف‌ها «فقدان تحلیل گفتمان مذهبی در تحلیل انقلاب اسلامی» است. نادیده‌گرفتن جایگاه هیأت‌های مذهبی، اعلامیه‌ها و پیام‌های رهبران مذهبی، به‌ویژه امام خمینی علیه‌السلام، و زندانیان سیاسی-مذهبی، و منحصرکردن مخالفان عمده رژیم پهلوی به

مخالفتان غیر مذهبی، و جرقه آغازین انقلاب را شب شعر کانون نویسندگان دانستن، مواردی از تحریف‌هایی است که در این کتاب آورده شده است. از سوی دیگر وی با به زیر سؤال بردن رهبری قاطع امام خمینی علیه السلام به عناوین مختلف (نظیر گماشته آمریکا بودن یا بی‌سوادی و...) کوشیده است جایگاه و چهره امام خمینی علیه السلام، رهبر مذهبی انقلاب اسلامی، را مخدوش سازد؛ زیرا همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «این انقلاب در هیچ جای جهان بدون نام امام خمینی شناخته شده نیست، و دشمن برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ناچار است جایگاه و شخصیت امام خمینی علیه السلام را تخریب سازد».

حال با توجه به این آسیب، وظیفه رسانه‌ها وظیفه‌ای دائمی و حساس است. نمایش فیلم، نوشتن نقدهای منطقی در این خصوص، برنامه‌سازی مداوم و ارائه قرائتی درست و منطقی از انقلاب، آن هم از معماران اصلی آن (امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری) می‌تواند از جمله کارهای رسانه‌ها در این خصوص باشد. رسانه‌های معتقد به انقلاب علاوه بر نقد رسانه‌های وابسته و کج‌فهم باید خود برای به انحراف کشیده نشدن ماهیت انقلاب، پیش قدم باشند.

در مجموع، نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که رسانه‌ها با توجه به این‌که مؤثرترین نهاد در هر سیستم سیاسی هستند، می‌توانند به لحاظ کارکرد رسانه‌ای هم در آسیب رساندن و هم در برابر آسیب‌ها مؤثر باشند، مانند بعضی از مصادیقی که در متن به آن‌ها اشاره شد، و حتی می‌توانند آسیب‌هایی را که به سیستم وارد می‌شود به‌گونه‌ای هدایت کنند تا به قولی از تهدید فرصت بسازند. با تحقیق و هنر، که رهبر انقلاب این دورا لازمه رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی دانستند، می‌توان در رسانه‌های معتقد به انقلاب اسلامی چنین تأثیر شگرفی را ایجاد نمود.

شخصیتی از دل انقلاب

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، تربیت شخصیت‌های برجسته و ممتاز در زمینه‌های مختلف دانشگاهی، علمی، حوزوی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است.

اشخاصی که در راه پیشبرد اهداف والای این انقلاب از هیچ تلاشی دریغ نورزیده و حتی فداکاری کرده‌اند و می‌توان گفت آنان عصاره این انقلاب شکوهمند بوده و هستند به طوری که دشمنان ما همواره از ابتدا سعی کردند این شخصیت‌ها را حذف کنند.

انقلاب اسلامی برای پیشبرد اهداف خود و حل مشکلاتی که از همان ابتدا با آن‌ها روبه‌رو شد، نیازمند حضور و فعالیت شخصیت‌های برجسته و نخبه انقلابی در زمینه‌های مختلف بود. اشخاصی که همواره با فعالیت گسترده خود موجب پیشرفت و تعالی کشور و انقلاب اسلامی بشوند و در جهان بدرخشند؛ لذا یکی از برنامه‌هایی که سردمداران انقلاب اسلامی از ابتدا داشتند تربیت چنین اشخاصی بود. امام‌راحل علیه‌السلام از آغاز مبارزات خود، تربیت چنین اشخاصی را در دستور کار خود قرار داده بودند. رهبر معظم انقلاب در مورد این تلاش امام علیه‌السلام می‌فرماید: «در هنگامی که امام مبارزه را شروع کردند، من نمی‌توانم بگویم که مثلاً در سال‌های چهل و یک و چهل و دو ایشان نیروهای لازم را داشتند؛ لیکن امام کادرسازی می‌کردند. شما توجه دارید که امام یک فرد جاافتاده علمی در حوزه علمیه قم بودند و اطراف ایشان را جمعی از جوانان لایق و مؤمن احاطه کرده بودند. با فشرهای دیگر هم ایشان ارتباط داشتند. امام با پیام‌های خود، با بیان‌های خود به معنای حقیقی کلمه انسان‌ها را تربیت و تصحیح می‌کردند؛ هم تربیت فکری، هم تربیت روحی و اخلاقی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

بنابراین تربیت اشخاصی که هم به لحاظ فکری بتوانند آرمان‌های انقلاب اسلامی را محقق سازند و پیشرفت جامعه را رقم بزنند و هم به لحاظ روحی و اخلاقی شایسته باشند از برنامه‌های اصلی امام‌راحل علیه‌السلام بود.

نکته مهم در تربیت چنین شخصیت‌هایی؛ با توجه به مکتبی بودن انقلاب اسلامی ایران؛ این بود که آنان علاوه بر این که می‌بایست نخبه تربیت بشوند، می‌بایست براساس مکتب فکری انقلاب که آن هم با اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منطبق است، پرورش می‌یافتند. یعنی آن استعداد فوق‌العاده‌ای را که در خود پرورش داده‌اند، جهت اهداف والای انقلاب اسلامی به کار ببرند و در این صورت می‌توان گفت این شخصیت‌های تربیت‌یافته جوهره و عصاره انقلاب ما هستند. لذا طبق برنامه تربیتی انقلاب باید سه ویژگی بسیار مهم در این

شخصیت‌ها نهادینه شود که عبارت‌اند از: نخبه‌پروری، انقلابی‌بودن و ایمان به اسلام و مردمی‌بودن. جمع‌شدن این سه خصوصیت در یک شخص موجب می‌شود که او قادر باشد همواره و بدون هیچ چشم‌داشتی برای پیشرفت کشورش تلاش و فداکاری کند.

یکی از تفاوت‌های بنیادین شخصیت‌پروری اسلام و انقلاب ما با دیگر مکاتب و جوامع در لحاظ‌کردن همین ویژگی‌هاست. این شخصیت‌های ممتاز با این ویژگی‌ها:

اولاً در زمینه فعالیت خود ماهر و نخبه هستند. منظورمان از نخبه‌بودن در این جا لزوماً تحصیل‌کرده دانشگاهی یا عضویت در بنیاد نخبگان نیست بلکه منظورمان این است که چنین اشخاصی، در حیطه‌ای که کار می‌کنند بتوانند هدف‌ها را خوب بشناسند و براساس آن‌ها قادر باشند بهترین تصمیم‌ها را بگیرند و اقدام کنند. رهبر معظم انقلاب در بیانات خود به همین نکته در بُعد سیاسی اشاره دارند و می‌فرمایند: «یک کادر برجسته و لایق، کسانی نیستند که لزوماً درس مدیریت یا دوره علوم سیاسی را گذرانده باشند؛ کسانی هستند که هدف‌ها را خوب بفهمند، راه‌ها را خوب تشخیص بدهند، بتوانند خوب تصمیم بگیرند و خوب اقدام کنند. این با تربیت‌های مداوم انجام می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). لذا تربیت‌یافتگان مکتب فکری انقلاب اسلامی این‌گونه پرورش یافته‌اند و یکی از دلایل پیشرفت کشور ما از ابتدای انقلاب وجود چنین نخبگانی بوده که در زمینه‌های مختلف فعالیت کرده‌اند.

ثانیاً به اسلام و انقلاب اسلامی عشق می‌ورزند و با این علاقه به کار می‌پردازند. این همان تربیت روحی و اخلاقی است که در برنامه تربیتی انقلاب اسلامی وجود دارد. لذا سردمداران انقلاب به‌طور مداوم اشخاص را به تزکیه نفس و خودسازی توصیه کرده‌اند. مقام معظم رهبری به مناسبت‌های مختلف چنین توصیه‌هایی را به قشرهای مختلف کرده‌اند: «خودتان را مجهز و آماده کنید؛ هم از لحاظ آمادگی علمی و فنی، هم از لحاظ آمادگی سازمانی و انضباطی، و هم از لحاظ آمادگی ایمانی و عقیدتی و روحی که این پشتوانه همه آن‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۷/۰۷). «با اقتدار و عزم کافی و با تهذیب نفس و خودسازی علمی و خودسازی اخلاقی پیش بروید». (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۸/۱۲). «یک ملت از لحاظ دانش

باید پیشرفته باشد، از لحاظ اخلاق، از لحاظ ایمان، از لحاظ عزم و اراده، تا بتواند اقتدار خود را حفظ کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴)، «جامعه بدون برخورداری افراد از خلیقات نیکو، نمی‌تواند به هدف‌های والای بعثت پیامبر دست پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶).

رهبر معظم انقلاب در همه این سخنان، علاوه بر این که اشخاص را به تقویت ویژگی اول یعنی مهارت و نخبگی سفارش می‌کنند، آن‌ها را به خودسازی معنوی و اخلاقی توصیه می‌نمایند. چنین اشخاصی هویت خودشان را از این انقلاب می‌دانند و با هدف پیشرفت اهداف ارزشمند آن فعالیت می‌کنند و می‌توان آنان را یک انقلابی به تمام معنا دانست و خودشان هم به انقلابی بودن خود افتخار می‌کنند. وقتی سرگذشت چنین شخصیت‌هایی را ملاحظه می‌کنیم، می‌فهمیم که وجودشان سرشار از عشق و علاقه به اسلام و انقلاب است و به معنای واقعی کلمه خودشان را براساس تعلیمات اسلام ساخته‌اند. رهبر معظم انقلاب هم به این ویژگی چنین شخصیت‌های بزرگ اشاره می‌کند و آن را مایه افتخار می‌داند. ایشان در دیدار با خانواده شهید نخبه مصطفی احمدی‌روشن، از شهدای هسته‌ای ایران می‌فرمایند: «دو جنبه ارزش در وجود جوان شما کاملاً تبلور پیدا کرده، که هر کدام به تنهایی به نحوی مایه افتخار است: یکی جنبه علم و تحقیق و پیشرفت و تسلط بر کار مهم و حساسی که زیر دست اوست؛ که یک استعداد برتر و یک نخبگی به معنای حقیقی کلمه است. این یک بُعد از شخصیت این جوان است، که خودش مایه افتخار است... لیکن بُعد دوم، اهمیتش از این بُعد بیشتر است؛ آن بُعد معنوی و الهی است؛ همان چیزی که است که او را آماده می‌کند برای شهید شدن». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۲۹)

و ثالثاً بخاطر مردم کار می‌کنند و با فکر رفاه و آسایش آنان به فعالیت می‌پردازند. این اشخاص لحظه‌ای از فکر مردم غافل نیستند و فعالیت خود را با نیاز مردم تنظیم می‌کنند. در قضایای کرونا، وقتی دشمنان ما را حتی از داشتن کیت‌های تشخیص آزمایشگاهی محروم کردند، دانشمندان مؤمن و انقلابی ما دست به کار شدند و خیلی زود توانستند این کیت‌ها را بسازند و کشور را تأمین کنند.

این ظرفیت انقلاب اسلامی در تربیت افراد موجب شده که بعد از گذشت حدود چهل

و دو سال از عمر آن، در کشور ما شخصیت‌های ممتاز بسیاری به وجود بیایند که برخی از آنان برای مردم شناخته‌شده و بسیاری هم ناشناخته‌اند.

یکی از آن شخصیت‌های بی‌نظیر که به معنای واقعی کلمه عصاره و جوهره انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی است. شخصیتی که به قول حضرت آقا «نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

شخصیتی که عمر بابرکت خود را برای پیشبرد اهداف والای انقلاب اسلامی گذاشت و برای تعالی کشور در زمینه‌های مختلف از هیچ تلاشی دریغ نرزید و می‌توان گفت ویژگی‌های ذکرشده در این مقاله که جزو برنامه تربیتی این مکتب مقدس هست در ایشان جمع شده بود. ایشان به معنای واقعی کلمه یک نخبه بودند. یعنی در حیطه فعالیت خودشان مهارت ویژه‌ای داشتند. دوستان و دشمنان به این استعداد و توانمندی حاج قاسم اذعان داشته‌اند. رهبر معظم انقلاب عملکرد ایشان را با تدبیر، فکر و منطق می‌دانند و در سخنرانی‌شان می‌فرمایند: «حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر، با شجاعت به دل خطر می‌رفت اما در عین حال با تدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد و تدبیر توأمان داشت و سخنانش قانع‌کننده، منطقی و تأثیرگذار بود که بنده این واقعیت را بارها به دوستان فعال در عرصه سیاسی گفته‌ام» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

حتی دشمنان هم ایشان را تحسین می‌کردند، به گزارش مشرق نیوز، هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک در نسخه بین‌المللی خود در سوم دسامبر ۲۰۱۴ تصویری از ایشان را روی جلد خود چاپ کرد و نوشت: «اول با آمریکا می‌جنگید، الآن داعش را درهم می‌کوبد، او فرد باهوش و عاشق جنگ است و خودش هم می‌داند که زنده این کار است».

نظر دیوید پترائوس، ژنرال ارتش آمریکا و رئیس موساد در زمان او با ما، هم در مورد ایشان این‌گونه است: «چیزی که من می‌توانم بگویم این است که وی فردی بسیار توانمند و مدبر و دشمنی شایسته است».

همچنین ایشان یک انسان خودساخته بودند و اخلاص که نتیجه خودساختگی هر

انسانی است در هر عمل ایشان جاری بود. به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب در توصیف شخصیت ایشان بر این ویژگی بارز تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «از همه این‌ها بالاتر، اخلاص او بود؛ این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج می‌کرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند این‌ها نبود. اخلاص خیلی مهم است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

حاج قاسم، شیفته انقلاب اسلامی، و رهبران حکیم آن بود و از هر فرصتی برای ابراز این عشق و علاقه استفاده می‌کرد. حتی در وصیت‌نامه خودشان هم بیش از هر چیزی به حفظ این نظام مقدّس و پاسداری حرمت رهبران آن تأکید کرده‌اند: «خطاب به برادران و خواهران مجاهدیم... عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر مانند دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی ﷺ» (وصیت‌نامه سردار سلیمانی). در بخش دیگری از وصیت‌نامه ایشان هم این‌گونه آمده است: «از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم مظلوم وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدّسات بدانید» (وصیت‌نامه سردار سلیمانی).

او اهل این حزب یا آن جناح نبود و هیچ خط قرمزی جز نظام و ولایت فقیه نداشت. رهبر معظم انقلاب در بخش دیگری از بیانات خود ایشان را این‌گونه توصیف می‌کنند: «یک نکته مهم این است که در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود... ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدت پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل رحمته‌الله بود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

حاج قاسم همچنین به شدت مردمی بود و خودش را از مردم جدا نمی‌دانست. بدون تشریفات میان مردم می‌رفت، با آن‌ها گفتگو می‌کرد و در مقابل آن‌ها متواضع بود. ایشان مصداق واقعی آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بودند.

ابراهیم شهریاری یکی از هم‌زمان حاج قاسم در گفتگو با ایسنا می‌گوید: « قاسم سلیمانی با آن اقتداری که داشتند و همه دنیا به دنبال وی بودند، وقتی به کرمان می‌آمد با یک خودروی سمند جابه‌جا می‌شد و حاضر نمی‌شد کسی به دنبالش برود و از وی محافظت کند و می‌گفت: می‌خواهید مرا از مردم جدا کنید؟ من می‌خواهم با مردم باشم». همین کلام ایشان نشان می‌دهد که چقدر مردمی بودند و شاید به همین علت ایشان محبوب‌ترین سیاستمدار ایرانی در سال‌های اخیر به شمار می‌رفتند که علاوه بر آمارها، تشییع جنازه باشکوه ایشان مؤید آن است. به گزارش مشرق در ۲۴ مهرماه سال ۱۳۹۸ در نظرسنجی دانشگاه «مریلند» از سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بار دیگر به‌عنوان محبوب‌ترین چهره سیاسی در ایران یاد شده است.

این یعنی در سال‌های اخیر، محبوب‌ترین چهره سیاسی کشورمان ایران سردار دل‌ها؛ حاج قاسم سلیمانی؛ بوده‌اند. جمع شدن این ویژگی‌های ارزشمند در حاج قاسم همان‌طور که گفته شد انقلاب اسلامی بر پایه آن ویژگی‌ها شکل گرفت، نشان می‌دهد که ایشان عصاره انقلاب اسلامی ایران و معرف حقیقت آن هستند و این بُعد از شهادت ایشان بیشتر ظهور و بروز پیدا کرده است.

همین امر باعث می‌شود که رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در مورد این شخصیت بزرگ کشور بفرماید: «این شهید عزیز هر وقت گزارشی می‌داد به ما از کارهایی که کرده بود، بنده قلباً و زبناً او را تحسین می‌کردم اما امروز در مقابل آنچه او سر منشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم. کار بزرگی انجام شد، قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت، او را این جور برجسته کرد؛ این بدرقه‌های ایرانی و آن بدرقه‌های عراقی؛ در کاظمین، در بغداد، در نجف، در کربلا چه کردند با این پیکر اربابا! از روح مطهر او، از اعماق دل تشکر می‌کنم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

شهید سلیمانی از کرمان برخاست و به کرمان رجعت کرد اما شخصیتی فراتر از مرزهای کشور و یکی از مفاخر تاریخی است. روح بلند این شهید بزرگوار در جامعه، وطن و هندسه فکری ما جاودان خواهد ماند. شهید حاج قاسم سلیمانی مجاهدی سرافراز است که

در زمان و مکان متوقف نشد. وی از نوجوانی وارد عرصه جهاد شد و جهاد خود را منحصر به یک جبهه و لشکر نکرد. شهادت حاج قاسم برای همه ما آموزنده است.

یکی از ویژگی‌های این شهید مجاهد این است که با اولیاء الهی محشور شد و به دست اشقی‌الاشقیاء و به فرمان یزید زمان به شهادت رسید. یزیدی‌ترین رفتارهایی که در تاریخ معاصر با جامعه اسلامی و شیعه برای ما اتفاق می‌افتد به دست آمریکا انجام می‌شود و بارزترین آن دستور بی‌رحمانه و غیرانسانی وی مبنی بر ترور و شهادت حاج قاسم سلیمانی بود.

شهادت حاج قاسم سلیمانی در یک حادثه و گوشه نبود بلکه در مقابل انظار جهانیان و فراتر از مرزهای جغرافیایی و با یک روش بزدلانه اتفاق افتاد و همه این ویژگی‌ها نمادهای برجسته‌ای است که جاودان خواهد ماند. با وجود این که حاج قاسم یک فرمانده نظامی بود اما لطافت و محبت او آدمی را یاد بزرگان و اولیاء الهی می‌اندازد و ایشان در عرصه نبرد و دفاع اوج قهاری و شجاعت و در عرصه دعا و مناجات اوج معنویت و لطافت را داشت.

همان‌طور که ذکر شد، او با دوستان رحماء و با دشمنان اشداء علی‌الکفار بود و در تقابل با دشمنان جبهه‌بندی مشخص و شفاف داشت. شهید حاج قاسم سلیمانی محبوب قلوب و دل‌های ایرانیان است و به همین خاطر وداع او برای همگان یک روز جاودان و یک نماد برجسته بود.

علاوه بر ملت ایران و عراق سایر مسلمانان و غیرمسلمانان ملل جهان نسبت به شهادت حاج قاسم سلیمانی داغدار شدند، این مهم نشان می‌دهد که در قرن ۲۱؛ راه حق؛ پُرطرفدار است و جاذبه دارد، به شرطی که مدعیان راه حق صادق باشند و صداقت خودشان را با فداکاری و از خود گذشتگی و گذر از مواهب و غنایم دنیوی اثبات کنند و نشان دهند که در راه حق و دفاع از آرمان‌ها از خودشان، جان‌شان و از منافع فردی می‌گذرند و اگر این آرمان‌ها و شعارها ابزاری در خدمت منافع و منفعت‌طلبی باشد طبیعتاً نمی‌تواند مورد توجه و اعتماد مردم قرار گیرد. (گفتگوی مدیر عامل خبرگزاری صداوسیما با روزنامه ایرنا)

بایسته‌های تولیدات رسانه‌ای، در راستای تبیین شخصیت شهید سلیمانی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه در عصر حاضر، معرفی و تبیین شخصیت‌های برجسته جهان در زمینه‌های مختلف است. شخصیت‌هایی که در حیطه فعالیت‌هایی که انجام داده‌اند شناخته شده و رسانه‌ها درصدد معرفی این افراد به مردم و الگوسازی از آنان هستند. فوتبالیست‌ها، بازیگران، خواننده‌ها، دانشمندان، سیاستمداران و... از جمله این‌ها می‌باشند. نکته قابل توجه در این زمینه که قبلاً هم اشاره شد این است که رسانه‌ها به دنبال الگوسازی از این افراد هستند و در یک کلام می‌توان گفت آن‌ها به دنبال قهرمان‌سازی از این افراد می‌باشند و هدف چنین کاری گسترش فرهنگ جوامع مبدأ این رسانه‌ها به جوامع مقصد است و این کار چنان اهمیت دارد که حتی از اشخاص خیالی و غیر واقعی هم قهرمان می‌سازند.

انقلاب اسلامی ایران هم برای گسترش فرهنگ و تمدن ایران و اسلام که فرهنگ و تمدن بسیار غنی و جهان شمول می‌باشد، باید به معرفی شخصیت‌های برجسته خود از طریق رسانه‌ها بپردازد. اشخاصی که در زمینه‌های مختلف به معنای واقعی کلمه و نه به صورت تخیلی و غیر واقعی الگو و قهرمان هستند و معرفی آنان به جهانیان در ابتدا موجب آشنایی مقدماتی آنان و سپس موجب ایجاد علاقه و گرایش‌شان به این فرهنگ و تمدن می‌شود. رسانه‌ها که در جهان امروز مرزهای بین‌المللی را در نوردیده و پیشرفت آن تحول بزرگی را در این زمینه ایجاد کرده، یک فرصت بسیار بزرگ برای محقق شدن چنین اهدافی است.

سردار قاسم سلیمانی، یکی از این اشخاص است که می‌توان گفت در دهه‌های اخیر قهرمانی بی‌نظیر بودند و معرفی ایشان با ویژگی‌هایی که در این مقاله برایشان ذکر شد موجب محقق شدن صدور فرهنگ و تمدن ایران و اسلام خواهد شد و تولیدات رسانه‌ای در این کار مهم‌ترین نقش را ایفاء می‌کند.

تولیدات رسانه‌ای در تبیین شخصیت برجسته حاج قاسم عزیز باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا با معرفی درست ایشان چنین هدفی را محقق کند و گرنه موجب آن می‌شود که این شخصیت برجسته به درستی معرفی نشود و حتی خدایی ناکرده تحریف شخصیت‌شان

به صورت گسترده انجام گیرد. مسئله‌ای که خواسته سردمداران استکبار جهانی است و تلاش‌ها را برای تحریف این شخصیت برجسته از قبل از شهادت ایشان آغاز کرده و بعد از شهادت‌شان به صورت گسترده ادامه داده‌اند.

هفت مورد از مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. معرفی همه‌جانبه شخصیت ایشان: حاج قاسم عزیز شخصیتی با ویژگی‌های مختلف است که در تولیدات رسانه‌ای باید به تمامی ابعاد شخصیتی ایشان توجه شود. گاهی می‌بینیم در تولیداتی که در تبیین شخصیت ایشان تهیه شده به یک بُعد شخصیتی ایشان توجه شده در حالی که ابعاد دیگر مورد غفلت واقع شده است و این کار موجب می‌شود در الگوسازی افراد از ایشان یک بُعد در آنان تقویت گردد ولی دیگر ابعاد که بسیار مهم و در زندگی راهگشاست مورد غفلت واقع شود. اگر در رسانه‌ها به «رحماء بینهم» حاج قاسم می‌پردازیم که حقیقتاً بی‌ظنیر بود، نباید از «اشداء علی الکفار» ایشان غافل شویم، اگر به معنویت و اخلاص ایشان توجه می‌کنیم نباید از تیزهوشی و نخبه‌بودن ایشان عبور کنیم، اگر گریه‌ها و مناجات ایشان را نشان می‌دهیم نباید از نشان‌دادن صلابت و اقتدار ایشان در مقابل دشمنان خودداری کنیم و اگر از شجاعت ایشان حرف می‌زنیم نباید از مهربانی و تواضعشان غفلت بورزیم. (یا به نوعی توازن شخصیتی، که همین عامل باعث ایجاد قهرمانی واقعی برای مردم ایران شده است، این فرد بزرگ را از یاد نبریم).

۲. استفاده از مصاحبه‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها و دست‌نوشته‌های حاج قاسم و اشخاص نزدیک به ایشان: هیچ انسانی بهتر از خودش نمی‌تواند خودش را معرفی کند و در مرحله بعدی این نزدیکان اشخاص‌اند که بهترین شناخت را از آدمی دارند. رعایت این ویژگی در تولیدات رسانه‌ای خصوصاً در مورد افرادی که شناختی از ایشان ندارند بسیار مفید و سودمند است، چراکه مهم‌ترین منبع شناخت افراد خودشان هستند و اعتماد به چنین منابعی بسیار بیشتر خواهد بود. همچنین این مسئله در زمانی که تحریف اشخاص مهم‌ترین برنامه دشمن برای مبارزه با انقلاب اسلامی است، باعث می‌شود که تحریف افراد صورت نگیرد.

۳. عدم افراط و تفریط در معرفی ایشان: یکی از خطراتی که در معرفی و تبیین

اشخاص از طریق رسانه‌ها وجود دارد، افراط و تفریط کردن در مورد آن‌هاست. چنین کاری موجب می‌شود که حاج قاسم رسانه‌ها با حاج قاسم واقعی فاصله بگیرد و آن هدف الگوسازی از ایشان محقق نشود. اغراق کردن در مورد ویژگی‌ها و نسبت دادن مسائلی به ایشان که واقعیت ندارد خصوصاً در آینده که واقعیت‌های امروز بیشتر نمایان می‌شود موجب شکل‌گیری افکار منفی در مورد ایشان خواهد شد و علاوه بر آن اعتماد به رسانه‌های معرف حاج قاسم که بیشتر داخلی هستند، از دست خواهد رفت. تفریط هم که غالباً توسط رسانه‌های بیگانه صورت می‌گیرد موجب عدم شناخت درست افراد از ایشان می‌گردد و این امر زمینه تحریف حاج قاسم را فراهم می‌کند.

۴. عدم جهت‌گیری سیاسی، جناحی و حزبی و جدا کردن ایشان از انقلاب

اسلامی و رهبران آن: قبلاً هم بیان شد که حاج قاسم اهل این جناح یا آن حزب نبود و رهبر معظم انقلاب هم به این ویژگی حاج قاسم تأکید کردند. او ایران سیاسی را یکپارچه می‌دید و اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی برایش معنا نداشت، در عین حال اسلام و ولایت خط قرمز او بود و در این زمینه با هیچ کس تعارف نداشت. لذا جهت‌گیری سیاسی، جناحی و حزبی در معرفی حاج قاسم بزرگ‌ترین اجحاف در حق ایشان و اجحاف بزرگ‌تر جدا کردن ایشان از رهبری و انقلاب است. ذوب بودن در انقلاب اسلامی و ولایت‌مداری، برجسته‌ترین ویژگی ایشان بود که در معرفی ایشان باید بر آن تأکید خاص شود. یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها در زمینه تحریف حاج قاسم این است که می‌خواهند او را از انقلاب و رهبری جدا بدانند تا مردمی را که به ایشان عشق می‌ورزند، از انقلاب و رهبری جدا کنند.

۵. تولید محتوای مناسب برای کودکان و جوانان: در قشرهای مختلف سنی، کودکان

و جوانان بیشتر از همه به الگو گرفتن نیاز دارند. لذا تولید محتوا برای این قشر سنی بسیار اهمیت دارد و برای این کار می‌بایست گروه‌های تخصصی تشکیل شده و به فعالیت پردازند. خصوصاً در حال حاضر که جوامع ما با تهاجم فرهنگی غربی مواجه هستند و در این تهاجم الگوی‌های تخیلی و غیرواقعی با شخصیت‌هایی ضددینی جایگزین الگوهای اصیل و واقعی می‌شوند می‌بایست چنین کاری صورت بگیرد.

۶. توجه به نقش آمریکا و رژیم جعلی صهیونیست در شهادت حاج قاسم: در زمینه جنگ رسانه‌ای، دشمن زمانی که نتواند اهداف خودش را در زمینه‌هایی که مطرح کردیم محقق سازد در آخرین مرحله برای تحریف حاج قاسم سعی می‌کند به کم‌رنگ کردن جنایت قاتلین ایشان بپردازد. در این زمینه آنان سعی می‌کنند تا با معطوف کردن توجه رسانه‌ها به حاج قاسم قبل از شهادت‌شان، ماجرای شهادت ایشان را کم‌رنگ و رد جنایت خود را پاک کنند و دو هدف را هم دنبال می‌کنند. یکی به حاشیه بردن فریاد انتقام سخت مردم از جنایت‌کاران این واقعه و ایجاد امنیت برای آنان و دیگری تکرار این کار برای حذف شخصیت‌های اثرگذار انقلاب اسلامی. برای همین در تولیدات رسانه‌ای باید این مسئله مکرر مورد توجه قرار گیرد تا این دشمنی‌های آمریکا فراموش نشود.

۷. تولیدات بین‌المللی و توجه به نقش ایشان در مبارزه با داعش در آن‌ها: حاج قاسم یک شخصیت بین‌المللی دارد، لذا باید معرفی ایشان در سطح بین‌المللی صورت بگیرد و در این امر استفاده از ظرفیت فضای مجازی و رسانه‌های دیگر کشورها، خصوصاً کشورهای که با آن‌ها ارتباطات گسترده‌ای داریم، باید مورد توجه قرار بگیرد. تولید فیلم، مستند و... مختص کشورهای دیگر با تبیین شخصیت ایشان از زبان افراد و بزرگان آن جوامع و پخش گسترده آن‌ها از طریق فعال‌شدن دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و ظرفیت فضای مجازی یکی از کارهایی است که می‌تواند صورت گیرد. همچنین یکی از بزرگ‌ترین جنایات علیه بشریت در بُعد بین‌المللی در دهه‌های اخیر، جنایات داعش بوده است. داعشی که با هدف تشکیل حکومت و نابودی ملت‌ها و با سرمایه و امکانات استکبار جهانی ظهور کرد و در این راستا از هیچ جنایتی دریغ نورزید. خطری برای همه کشورها که اگر نابود نمی‌شد تهدیدی علیه جهان بود. یکی از تحریف‌های دشمنان در نشان دادن مبارزه با داعش که از خصوصاً طریق رسانه‌های دیگر کشورها صورت می‌گیرد، نادیده گرفتن فداکاری‌های گروه‌های مقاومت و حاج قاسم در این زمینه و تبدیل آمریکا به قهرمان مبارزه با داعش است. رسانه‌ها باید با استفاده از منابع معتبر به نقش آمریکا در ایجاد و تقویت داعش و فداکاری‌های گروه‌های مقاومت و حاج قاسم در مبارزه با آن بپردازند و این مسئله خصوصاً در زمینه بین‌المللی اهمیت فراوانی دارد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین رویدادهای قرن اخیر در جهان بوده است. رویدادی همه‌جانبه و حساب‌شده که با توجه ماهیت دینی بودن آن، و به دلیل راهبری و مدیریت کلان صحیح، به سرعت در حال صدور به کشورهای دیگر جهان است.

رویدادهایی که در کشورهای حوزه دریای مدیترانه، آفریقا و آمریکای جنوبی رخ می‌دهند، نشانی از این صدور موفق است. صدور، نه به معنای جنگ و انقلاب داخلی در کشورها، بلکه به معنای انتقال تفکر و گفتمان موجود در جو عمومی این حرکت.

این انقلاب، مطمئناً باعث کوتاهی دست دزدانی شد که تنها به منابع و ذخایر کشور ما، که از آن همه ملت است، چشم دوخته‌اند و از هیچ فرصتی برای دست‌درازی دریغ نمی‌کنند. بدیهی است این انقلاب باعث دشمنی این اجانب با ملت و حکومت ایران شود.

در این شرایط، بهترین کار، صدور تفکر و گفتمان این انقلاب به دیگر نقاط جهان است تا با ایجاد یک اجماع جهانی و همفکر، انقلاب اسلامی، و بالاتر از آن شریعت مقدس، بتواند در جنگ علیه باطل، پیروز فایق آید.

برای صدور گفتمان و تفکر انقلاب اسلامی، وارد شدن به جنگی تمام عیار نیازمند مهره‌های تأثیرگذار است و بنابراین، تربیت افرادی که با عین دین اجین شده‌اند؛ مانند حاج قاسم؛ بایسته اصلی ورود به جنگ نرم رسانه‌ایست که دشمن از این راه قصد نابودی این انقلاب و این مرز و بوم را دارد. مطمئناً با رعایت مواردی که ذکر شد، در تولیدات رسانه‌ای می‌توان شخصیت حاج قاسم را به صورت کامل تبیین و از ایشان در سطح داخلی و بین‌المللی الگوسازی نمود و با چنین کاری برای آینده ایران اسلامی چنین شخصیت‌هایی را تربیت کرد، تفکر انقلاب را به جهانیان شناساند و علیه اسکتبار جهانی، به پا خاست.

در این زمینه باید نخبه‌های رسانه‌ای با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند چنین کاری را به نحو احسن انجام بدهند و این برنامه‌ریزی دقیق اگر با پیگیری فعالان رسانه‌ای همراه شود بهترین نتیجه را خواهد داشت و جنگ رسانه‌ای دشمن را در این زمینه خنثی خواهد نمود. فرهنگ و تمدن ایران اسلامی قهرمانان واقعی همچون سردار قاسم سلیمانی دارد که در واقع بزرگ‌ترین

قهرمانان بشریت هستند. ولی در فرهنگ غربی از اشخاص خیالی قهرمان ساخته می‌شود و افراد به راحتی مغلوب و علاقمند به چنین قهرمانانی می‌شوند، لذا باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که این قهرمانان واقعی جایگزین آن قهرمانان خیالی بشوند.

منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰). مبانی سیاست. تهران: توس
۲. اسکاچ پل، تدا (۱۳۷۶). دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی. ترجمه مجید روئین‌تن. تهران: سروش
۳. امانلو، حسین (۱۳۹۳). بشقاب‌های سمی. تهران: فرهنگ اندیشه
۴. حلیمی بلخانی، غلام‌سخی (۱۳۸۲). رسانه و جنبش‌های اسلامی معاصر. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸، ۱۸ دی). بیانات در دیدار مردم قم. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۸، ۱۳ دی). پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=44554>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰، ۲۹ دی). بیانات در دیدار خانواده شهید مصطفی احمدی روشن. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21894>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸، ۱۲ آبان). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8339>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸، ۱۴ مهر). بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8162>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵، ۶ فروردین). بیانات در دیدار بسیجیان. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3334>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴، ۱۷ شهریور). بیانات مقام معظم رهبری در جمع اعضای مجلس خبرگان. خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ از وبسایت: <https://www.irna.ir/news/9756734>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷، ۱۳ بهمن). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه

- فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان). دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ از وبسایت:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷، ۷ مهر). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ از وبسایت:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34489>
۱۴. راه انقلاب: مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی (جلد ۱) (۱۳۷۸). تهران: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، نشر هماهنگ
۱۵. رهدار، احمد (۱۳۸۴). استراتژی شکست‌خورده تحریف انقلاب اسلامی. رواق اندیشه، ۴۵، ۳۳-۵۷
۱۶. شهبازی، عبدالله (۱۳۸۲). سیا و جنگ سرد فرهنگی (گزارشی از کتاب جنگ سرد فرهنگی: سیا و جهان هنر و ادب، نوشته خانم ساندرس)، سیاحت غرب، ش ۱، ص ۳۶
۱۷. شیخاوندی، داور (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی انحراف. مشهد: انتشارات مرندید
۱۸. شیدائیان، حسین (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی. قم: یاقوت
۱۹. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش.
۲۰. کازنوو، ژان (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: اطلاعات
۲۱. لافی، دن (۱۳۹۶). موضوعات کلیدی در نظریه رسانه‌ها. ترجمه یونس نوربخش. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۲۲. لطیفی، محمدحسین (۱۳۸۱). کتابنامه و مقاله‌نامه رسانه و فرهنگ. نگاه حوزه، ۸۰ و ۸۱، ۸۴-۸۸
۲۳. محمدی، محمدمهدی (ویراستار) (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب. تهران: دانشگاه صنعتی شریف، دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.